

تاریخ فرنگ

از



جامع التواریخ

شامل :

تاریخ افرنج در معرفت ولایت افرنج و بحار و جزایر آن و در ولادت مسیح علیه السلام
و حکایت حادثه او و ذکر پایان و قیصره که پادشاهان افرنج اند

تألیف

خواجہ رشید الدین فضل اللہ وزیر ہمدانی

بامقدمہ و حواشی و فہارس
بکوشش

محمد - دبیر سیاقی

تاریخ افرنج

یا
فصلی از

جامع التواریخ

شامل

باب سوم از قسم دوم از تاریخ افرنج در معرفت ولایت افرنج و بحار و جزایر آن
و باب چهارم در ولادت مسیح علیه السلام و حکایت حادثه او
و ذکر پایان و قیصره که پادشاهان افرنج اند

تألیف

خواجہ رشید الدین فضل اللہ وزیر ہند

بامقدمہ و حواشی و فہارس
بکوشش

محمد - دبیر سیمافی

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PF11440



از این کتاب یک هزار نسخه در چاپخانه کیهان
بسرمايه کتابفروشی فروغی بچاپ رسیده است
تهران
خرداد ماه ۱۳۳۹ خورشیدی - ۱۹۶۰ میلادی

پیشگفتار

همچنانکه در مقدمه فصل غزویان و سامانیان و آل بویه از کتاب جامع التواریخ که چندی پیش چاپ و نشر شد و عده دادیم ، بطبع فصل تاریخ افرنج آن کتاب که خاورشناس نامی کارلیان بسال ۱۹۵۱ میلادی در لیدن طبع کرده بود بمنظور استفادت خواستاران تاریخ و ادب ایران مبادرت ورزیدیم و با همان روش خاص که نگارنده راست آنرا بافهارس و حواشی چاپ کردیم و بهره‌مندی بیشتر را دوست دانشمند و نجیب و متواضع آقای دکتر منوچهر امیر مکرری مقدمه طابع را از زبان فرانسه به فارسی گردانیدند همچنانکه نسبت بمقدمه آلمانی کتاب لغت فرس اسدی چاپ پاول هرن و مقدمه زراشت نامه بهرام پژدو چاپ رزنگ همین رنج را کریمانه بر خود هموار ساختند و دوستداران ادب و شعر و لغت فارسی را از فضل بسیار و اطلاعات با ارج خود نصیب دادند .

درباره کتاب جامع التواریخ و مؤلف نامبردار آن خواجه فاضل رشید الدین فضل الله بن ابی الخیر وزیر همدانی در مقدمه فصل غزویان مذکور در فوق و هم در آغاز فصل تاریخ اسماعیلیه (مصحح نگارنده چاپ سال ۱۳۳۷ هجری) آنچه لازم می نمود گفته ایم و اینجا تکرار آن زاید می نماید بخصوص که برخی از آن مطالب را با شرح و بسط ممتع تر در ترجمه مقدمه کارلیان به فارسی ملاحظه خواهید فرمود ، اینجا نکته ای که در خورد گریست آنکه کارل یان متن حاضر را با توجه بدو نسخه از تاریخ افرنج و پس از مقابله بانسختهای از تاریخ بنا کتی و نسخه تاریخ ماریتئوس اوپا و نیسس ترتیب داده است و اختلاف نسخ فوق را باعلائم اختصاری خاص در حاشیه قید کرده ، اما در چاپ حاضر ماتبعیت ازعلائم قراردادی وی و اشارت بنسخه بدلها باهمان علائم را

ضرور ندیدیم و بتمامی آن علائم نشانی اختصاری «نچ» یعنی نسخه بدل چاپ لیدن دادیم و گاهگاه نیز که ضبط حاشیه را بر متن مرجع شناختیم و مطالب متن و حاشیه را جابجا کردیم ضبط متن کارل یان را با علامت اختصاری «چ» نمودیم تا صورت اصلی چاپ کارل یان چه از نظر حاشیه و چه از لحاظ متن در چاپ حاضر کلاً بر جای ماند.

نکته دیگر که ذکر آن ضرور می نماید آنست که طابع لیدن بترجمه فرانسه متن کتاب حواشی و تعلیقاتی کوتاه اما سودمند افزوده است و ما بمنظور بهره مندی خوانندگان و حفظ حدود کار آن مصحح فاضل ترجمه آن حواشی مفید را پس از تطبیق با صفحات چاپ حاضر در پایان افزوده ایم ، امید که این خدمت ناچیز در پیشگاه اهل فضل و دانش بجیزی شمرده شود . اینک ترجمه مقدمه کارل یان بر چاپ لیدن .

تهران - تخریش - اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ خورشیدی

محمد دبیرسیاقی

مدخل

در هیچ يك از ادوار تاریخی گذشته ، حتی در دوران امپراطوری روم ، شرایط و اوضاع برای تألیف و تصنیف کتب درباره تاریخ عالم مانند نخستین قرن بعد از تأسیس امپراطوری اوراسیائی^۱ مغول بدست چنگیز خان مساعد نبوده و در هیچ کدام از ممالك این امپراطوری عظیم این کار بقدر ایران امکان موفقیت نداشته است .

فتوحات مغول با اینکه باعث تلفات جانی عظیم و نابودی بسیار از آثار گرانبهای فرهنگی گردید نتایج مثبتی نیز در برداشت و یکی از مثبت ترین و سودمندترین نتایج آن این بود که افق دید بشر تا نقطه ای که تا آن زمان بی سابقه و بی مانند بود وسعت یافت. بر اثر این فتوحات پرده اسراری که در گذشته ممالك آسیای مرکزی و آسیای شرقی را پوشانیده بود برداشته شد و بین این ممالك و ممالك آسیای غربی و اروپا روابط و تماسهای نزدیک و دامنه داری بر قرار گردید و بدینسان وجود قاره اوراسیا با کلیه تنوع و تفاوت های فراوانی که بین ممالك آن وجود داشت برای نخستین بار بصورت حقیقتی آشکار در برابر نوع بشر نمایان گردید .

ایران و چین دو تکیه گاه حقیقی امپراطوری مغول را تشکیل میداد ولی ایران بعلاوه موقعیت جغرافیائی مرکزی خاص خود بمراتب پیش از چین چهارراه منافع سیاسی و اقتصادی و فرهنگی گردید و ایفای نقش بسیار مهمی را بعنوان واسطه بین شرق و غرب به عهده گرفت .

۱- فرانسه Eurasie (آلمانی Eurasion) در اصطلاح جغرافیا نام دو قاره اروپا و آسیا می باشد وقتی که این دورا بعنوان يك واحد جغرافیائی در نظر گیرند و در فارسی می توان آنرا بقیاس اوراسیا گفت .

پس با توجه باین مقدمه عجب نیست که بخصوص در این سرزمین در آغاز قرن ۱۴ میلادی برای نخستین بار اولین مجاهدت را برای تصنیف کتبی در باره تاریخ عالم بعمل آوردند.

در اینجا باید در حقیقت از یگانه کوشش در این راه، یعنی از کار بزرگی رشیدالدین سخن گفت زیرا کتاب بناکتی^۱ که چندی بعد بتقلید از رشیدالدین تألیف شده در حقیقت اقتباسی است با تغییراتی مختصر از همان اثر عظیم و بی همتا! رشیدالدین فضل الله بن ابی الخیر متوفی بسال ۷۱۴ هجری (۱۳۱۸ میلادی) سیاستمدار و مورخ بزرگ ایران در عصر مغول نخستین مجلد تاریخ عظیم خود موسوم به جامع التواریخ را در دست اتمام داشت که غازان خان بنیان گذار این تصنیف ناگهان در عنفوان جوانی در گذشت. ایلخان مغول غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ هجری ۱۲۹۵-۱۳۰۴ میلادی) که علاوه بر شهرتش در مملکتداری و سالاری سپاه بخصوص از

۱- برون - تاریخ ادبی ایران ج ۳- کامبریج ۱۹۲۴ ص ۱۰۱ و مابعد - بارتولد - ترکستان تا حمله مغول (انتشارات گیب ۱۹۲۸) ص ۴۹ و نیز مقاله وی درباره بناکتی در دایرة المعارف اسلام. بارتولد در هر دو جا تصریح میکند که کتاب روضة الایام فی تاریخ الاکابر والانساب که معروف بتاریخ بناکتی می باشد اگر از برخی تغییرات مختصر چشم بپوشیم در حقیقت رونوشتی است از تاریخ عالم رشیدالدین - اینجانب نیز پس از مقایسه قسمت مربوط بتاریخ افرنج در این دو کتاب ناگزیر تصدیق میکنم که در کتاب بناکتی چیز دیگری جز مطالب کتاب رشیدالدین وجود ندارد منتهی آنها بطرز دیگری ترتیب و کمی تغییر داده اند آنچه که برآستی تازگی دارد فقط ترتیب پاها و امپراطوران است اما شرح وقایع کاملاً مطابق با کتاب رشیدالدین میباشد. گواه دیگری بر صحت گفته ما اینکه هر دو کتاب با ذکر فرمانروائی پاپ بنطکطوس (بنوای یازدهم ۱۳۰۳-۱۳۰۴) و قیصر ادا البرطوس (آلبرت اول ۱۲۹۸-۱۳۰۸) پایان می یابد ولی بناکتی در کتاب خود برای اینکه چنین وانمود کند که اخبار عصر خود را نیز نقل کرده است مدعی شده که این دو تن در زمان تألیف کتاب او (۷۱۷ ه. مطابق ۱۳۱۷ م) هنوز فرمانروائی داشته اند، رجوع کنید بمطالعی که D'ohsson از بناکتی در ص ۲۶۲ و مابعد کتاب خود موسوم به Des peuples du Caucase, Paris 1828 آورده است.

حیث علاقه باآبادانی واصلاحات درمیان سلاطین مغول ایران بنامست صدراعظم خود رشیدالدین رامأمور ومسئول نوشتن تاریخ مفصل ومشروحي دربارهٔ ترکان ومغولان ساخته بود وشخصاً با علاقهٔ فراواني که بتاریخ داشت و با معلومات تاریخی وسیع و تجربیات خویش بزرگترین محرك ومشوق وزیر خود در انجام این مهم گردید. منابع معتبر ونادری که در اختیار دولت امپراطوری مغول بودوازانجمله دستگاه ضبط ملی مغولان که مهمترین آنها التان دتبر (یعنی تاریخ رسمی مغول) بوده است همراه باروایات شفاهی فراوان ومشروحي که قسمت اعظم آنراشخص غازان خان وامیر پولاد جنگ سانگ نمایندهٔ خان اعظم در دربار تبریز برای رشیدالدین دانشمند ایرانی نقل میکردند ویرا موفق بتألیف کتابی ساخت متکی بر اسناد معتبر و در نوع خود بی نظیر. هنگامیکه رشیدالدین کمی بعداز مرگ غازان خان (۱۳۰۴ م) کتاب تاریخ ترکان ومغولان را بپایان رسانید بفرمان الجایتو (۷۰۳-۷۱۶ هجری ۱۳۰۵-۱۳۱۶ م میلادی) برادر وجانشین غازان وبرای قدردانی ازسهمی که غازان خان درتألیف این کتاب داشته است بدان تاریخ غازانی نام نهادند.

در همان زمان الجایتو خان رشیدالدین را مأموریت علمی جدیدی داد که از مأموریت قبلی اوآسان تر نبود بدینمعنی که ویرا بتألیف تاریخ کلیهٔ اقوام ومللی بر گماشت کهمغولان درطی لشکر کشیهای خود با آنان سروکار داشته اند. خلاصه رشیدالدین بفرمان خان مغول مأمور تألیف تاریخ عالم گردید.^۱

۱- رك: مقدمة كاترمير Quatremère بر چاپ پاریس رشیدالدین زیر عنوان تاریخ مغولان ایران Histoire des Mongoles de la Perse ج ۱ - ۱۸۳۶ - بلوشه Blochet مقدمة تاریخ مغول رشیدالدین فضل الله چاپ لیدن - لندن ۱۹۱۰ - برون، تاریخ ادبی ایران، ج ۳ ص ۶۸ وما بعد بخصوص ص ۷۲ وما بعد - بارتولد، تركستان ص ۴۴ وما بعد - همین نویسنده در Mir Islama I (۱۹۱۲) ص ۵۶ وما بعد، برتلس Berthels در دایرة المعارف اسلام در بارهٔ چاپهای مختلفی که تاکنون از کتب رشیدالدین انتشار یافته است ونیز رجوع کنید بمطالعی که من (یعنی کارل یان) درمقدمهٔ خود بر کتاب تاریخ غازان خان (گیب ۱۹۴۰) وتاریخ ایلخانان از اباقا تا گیخاتو (پراگ ۱۹۴۱) نوشته ام.

این اثر که مجلد دوم جامع التواریخ را تشکیل میدهد و در حدود سال ۷۱۰ هجری (۱۳۱۱-۱۳۱۰ میلادی)^۱ تألیف آن پایان رسید یکی از آخرین شاهکارهای تاریخ نویسی اسلامی بخصوص ایرانی در پایان قرون وسطی میباشد - از این گذشته می بایست برای این کتاب در نوع خود بین کلیه کتب تاریخی بطور اعم اهمیت خاصی قابل بود و هر چند تا کنون خاورشناسان بحد کافی با اهمیت آن پی برده اند^۲ ولی دیگر دانشمندان را چنانکه باید و شاید از آن اطلاعی نیست و نیز باید در نظر داشت که این تألیف اولین کتابی است درباره تاریخ عالم که ما از وجود آن اطلاع داریم که در آن برای نخستین بار با شیوه ای صحیح و متین تاریخ کلیه ملل بزرگ قاره اوراسیا از اقیانوس آرام تا اقیانوس اطلس تدوین و گردآوری شده است .

تاریخ عالم رشیدالدین بدو بخش بزرگ تقسیم میشود که مشتمل بر چهار فصل است: بخش اول گذشته از دیباچه ای در شرح حال حضرت آدم و انبیاء بنی اسرائیل در تاریخ پادشاهان ایران قبل از اسلام می باشد و بخش دوم مشتمل است بر تاریخ حضرت محمد ص و احوال خلفای اسلامی تا انقراض آنها بدست مغولان (۶۵۶ هجری ۱۲۹۸ میلادی) و سپس تاریخ سلسله های ایرانی بعد از اسلام و تاریخ غزان (اغوزها) و ابناء آنان و تاریخ اترک و چین و یهود و فرنگ و هند .

بنابر این در بخش دوم این مجلد است که رشیدالدین گام بزرگی در فن تاریخ نویسی برداشته و نخستین مورخ در محیط کم و بیش محدود خود بوده است که بنوشتن تاریخ عالم پرداخته است .

در اینجا یعنی در کتاب حاضر بمعرفی قسمت مربوط بتاریخ مغرب زمین تحت

۱- رك : استوری - ادبیات ایران C. A. Storey, Persian Literature, London

1935. II, I, 72

۲- رك : کانرمر همان کتاب قبلی بخصوص ص LXXIV و بارتلد ترکستان ص

۴۶ و برون تاریخ ادبیات ج ۳ ص ۷۴-۷۵ .

عنوان «تاریخ افرنج و ذکر پاپان و قیصره که پادشاهان افرنج اند» مبادرت میگردد^۱ این بخش مشتمل است بر دو قسم که هریک دارای چهار باب می باشد .
عنوان قسم اول « از حضرت آدم تا ولادت مسیح علیه السلام » و بابهای آن
بقرار ذیل است :

باب اول در تعداد سلسله های سلاطین کلیه اقوام و ملل .
باب دوم اندر آفرینش آدم و فرزندان او و طول عمر هریک از آنان .
باب سوم در احوال نوح و فرزندان او و مدت زندگی هریک .
باب چهارم از ولادت حضرت ابراهیم و زندگی اعمامش تا Joachim و دختر او
مریم مادر عیسی مسیح .

موضوع قسم دوم بیان تاریخ فرنگ از ولادت مسیح تا زمان مؤلف یعنی سال
۷۰۵ هجری است که بابهای آن بدین قرار است :

باب اول - در ایمان اقوام عیسوی به حضرت مسیح .
باب دوم - در ثغور ولایت ارمنستان و بلاد و اماکن آن .
باب سوم در معرفت ولایت افرنج و بحار و جزایر آن .
باب چهارم در ولادت مسیح علیه السلام و حکایت حادثه او و ذکر پاپان و
قیصره که پادشاهان افرنج اند .

از آنجا که در این قسم از تاریخ افرنج فقط باب سوم و چهارم دارای مناظر
جدید و تازه ای می باشد و دو باب قبل از آن جز تکرار نظرات مذهبی و تاریخی
معروف مطلب دیگری در بر ندارد لذا فقط بچاپ باب سوم و چهارم از قسم دوم تاریخ
افرنج بسنده کردیم . و اما باب مربوط به ارمنستان که گویا در حدود کتاب حاضر

۱- تاریخ چین رشیدالدین توسط پرفسور کاهله Kihle در اکسفورد برای چاپ
در ردیف سلسله انتشارات آکادمی علوم برلین آماده گردیده است و با اینکار مرا از
انجام آن بی نیاز فرموده اند و فقط چاپ تاریخ هند باقی می ماند که در دست تصحیح
می باشد .

جای نامناسبی قرار دارد در فرصت دیگر و جای دیگر انتشار خواهد یافت .

همچنانکه از عنوان باب سوم معلوم است موضوع آن نظری است به وضع جغرافیائی و سیاسی ممالك مغرب زمین و چگونگی و خصوصیات آنها ، بدینسان که پس از شرحی درباره اصل و دارالملک ولایت افرنج (رومیة عظمی) به نوعی توصیف از اروپا پرداخته اند ، باین ترتیب که این توصیف را از منتهای شبه جزیره ایبری آغاز و پس از بیان اجمالی تعداد کثیری از ممالك و دول مغرب زمین به منتهای شبه جزیره اسپین یعنی سیسیل خاتمه داده اند . نروژ و قطب شمال بعنوان اقصی نقاط شمالی فرنگ ذکر شده اند و از روسها و ترکان و صقالیه و یونانیان بعنوان ساکنان ثغور شمالی و شرقی نام برده اند . شرقی ترین ممالك ولایت افرنج در این کتاب بوهم و لهستان و مجارستان هستند . خلاصه در این کتاب بطور کلی ولایت افرنج مشتمل است بر ممالك مسیحی مغرب زمین که کم و بیش از لحاظ سیاسی و یا مذهبی در امپراطوری مقدس روم مجتمع و متحد بودند و جامع کتاب با استفاده از یک نقشه جغرافیائی اروپائی به بیان و شرح آنها پرداخته است . اما درباره مطالب و ملاحظات که درباره ممالك مختلف در این کتاب تاریخ فرنگ بیان شده باید گفت که با وجود سادگی آنها از لحاظ منظر و طرز بیان حاکی از تجربه و هوشمندی و رای روشن و صائب دهنده این اطلاعات می باشد ^۱ .

و همین موضوع بمطالب کتاب اهمیت و ارزش خاصی می بخشد و بنابراین جای تعجب نیست که همین امر بارها علمای اروپائی را بنقل جزئیات آن برانگیخته است ^۲ .

بدیهی است کسی که راوی این اخبار و مطالب برای رشید الدین بوده است

۱- این مطلب را نه فقط از ذکر mappa mundi نقشه عالم (در متن ص ۱۱ بصورت باب مندو تحریف شده است) میتوان دریافت بلکه چگونگی نقل اسامی ممالك و اعلام بخط فارسی نیز آنرا نشان میدهد .

۲- مثلاً مقایسه شود با تاریخ عمومی نصیر الدین البیضاوی موسوم به نظام التواریخ (۱۲۷۵ میلادی ۶۷۴ هجری) که در آن هیچگونه اطلاعی خارج از تاریخ و اقوام اسلامی موجود نیست . رک : برون همان کتاب ص ۱۰۰ و ۱۰۱ .

نموانسته است باوجود این از آوردن روایات عامیانه درضمن گفته‌های خود صرف‌نظر کند و برخی ازداستها و روایات عجیب و عامیانه‌ای را که در آن زمان درافواه بسیار رایج بوده است نقل کرده است که بدانها درجای دیگر اشاره خواهد شد.

باب چهارم مختص بیان احوال پایان و قیصران است. در این باب پس از مقدمه کوتاهی در ولادت مسیح و ذکر حادثه او به ترتیب زمان، احوال و اسامی پایان و قیصره فهرست وار بیان شده و فهرست پایان بامسیح آغاز و به پای بنوای یازدهم (۱۳۰۴-۱۳۰۳ م.) ختم میگردد و از آن قیصران با او گوست شروع و به آلبرت اول (۱۳۰۸-۱۳۹۸ م.) خاتمه می‌یابد و درمورد هر يك مدت پای و قیصری آنان بسال و ماه و روز ذکر گردیده است. گاهی بخصوص درمورد پایان مطالبی که بیان شده بسیار مختصر و محدود است و گاهی هم برسم وقایع نگاران قرون وسطای اروپا بشرح جزئیاتی مبادرت گردیده است که برخی از آنها از لحاظ تاریخی دارای اهمیت بسیار است در حالیکه بعضی دیگر ذکر وقایع عجیب و یا داستان و افسانه میباشد. حتی دراینمورد هم سخن رشیدالدین چغان موجز و مختصر و مقطوع است که بدون مدد از منابع اروپائی مربوط بدان فهم بسیاری از آن دشوار بل محال میباشد.

با اینکه تاریخ‌فرنگ رشیدالدین از حیث مطالب جالب بسیار غنی میباشد باید بطور کلی اذعان کرد که از آن‌ها نظر تاریخی بندرت مطلب تازه و یا مجهولی که برای تحقیق در تاریخ قرون وسطای اروپا مفید باشد بدست می‌آید، معذک این کتاب در نظر محققین بخوبی افکار و تصوراتی را که مسلمانان متمدن قرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) درباره جهان داشتند نمایان میکند و این تصویر با وضوح کامل نشان میدهد که در مقام مقایسه، منظر مسلمانان آن عصر در جغرافیا و تاریخ بمراتب از نظر اروپائیان فراختر و گشاده‌تر بوده است.

مأموریت علمی رشیدالدین فضل‌الله امری کاملاً تازه و بی‌سابقه بود زیرا که مقصود از آن گردآوری تاریخ عالم که تا آن زمان در عالم اسلام محدود به نگاشتن تاریخ ملل اسلامی بود نبود بلکه غرض تدوین تاریخی بود که شامل سه ملت بزرگ قاره اوراسیاهم که هر کدام تمدن خاصی داشتند باشد.

هرچند در طی قرون گذشته عالم اسلام بر خصوصیات بسیاری از این ملل در موضوعات فرهنگی و تاریخی و جغرافیائی اطلاع یافته بود اما تا آن زمان هرگز کسی بتدوین تاریخ آنها باشیوای صحیح نپرداخته بود. و باین جهت نقشه و نیت رشیدالدین مبنی بر استفاده از منابع اصلی تساریخ ممالك مورد بحث و مشاوره و همکاری با دانشمندان مطلع بموضوع نه فقط شاهد مؤثری از روح پیشرو و مترقی زمان او بود بلکه مبین مسئله‌ای لازم و ضروری نیز بود. از حسن اتفاق مؤلف، علاوه بر مقامی که در تاریخ نویسی داشت دارای مرتبتی بلند در دستگاه دولتی زمان خود نیز بود و با نفوذ و اقتداری که داشت قدرت دست یافتن بهر منبع لازم برای انجام کار خود را نیز داشت و بدینسان طرح و نقشه او بنحوی که برای آن عصر تقریباً کمال مطلوب بود تحقق پذیرفت.

رشیدالدین در مقدمه جامع التواریخ بعلمای بیگانهای که در طرح قسمتهای مختلف تاریخ عمومی با او همکاری داشته اند اشاره میفرماید از آنجمله در مورد تاریخ چین از لیتاچی و مکسون (۹) و در تاریخ هند از زاهد کشمیری Kamalachri^۱ نام می‌برد ولی در مورد تاریخ فرنگ هیچگونه اشاره‌ای در این باره نکرده است و هرچند این امر در نظر اول عجیب می‌نماید ولی با توجه باینکه اسامی فوق درباره

۱ - رك : كاترمر در همان كتاب ص LXXVIII و مجموعه علمی Collections scientifiques ج ۳ ص ۱۰۶- بلوشه در كتاب مذکور در سابق ص ۹۸ و نیز مقاله‌ای درباره منابع تاریخ چین رشیدالدین (بزودی بقلم فرانکه M. H. Franke در مجله Oriens انتشار خواهد یافت).

موضوع اساسی یعنی منابع کتاب هیچگونه اطلاعی بدست نمیدهد و این اشخاص غالباً واسطه و ناقل اخبار هستند، بی اطلاعی از نام برخی از آنان برای ما نسبتاً بی اهمیت میباشد و اما خوشبختانه با وجود سکوت رشید الدین از تاریخ فرنگ میتوان اطلاعات جالبی دربارهٔ محیط اجتماعی که همکاران اروپائی رشید الدین بدان تعلق داشته اند بدست آورد.

بارتولد از چگونگی رابطهٔ بین پاپ و قیصر که در باب سوم کتاب ذکر گردیده است و طبق آن پاپ از حیث مقام از قیصر برتر دانسته شده چنین حدس زده است که همکاران اروپائی رشید الدین را در تألیف تاریخ فرنگ باید بین کشیشان و طبقهٔ روحانیان عیسوی جستجو کرد ولی بعقیدهٔ من باید این نظر را لااقل تا حدی که مربوط به باب سوم است کمی اصلاح کرد.

در اروپای عیسوی قرن سیزدهم میلادی دو فرقهٔ بزرگ موسوم به گلفها و ژیلن ها وجود داشتند که یکی طرفدار پایان و دیگری طرفدار قیصران بودند.^۱ و در زمان مغول این اختلاف و دوستگی در سیاست خارجی اروپا چنین نمایان بود که پایان و طرفدارانشان با دربار تبریز همکاری داشتند^۲ در حالیکه قیصران

۱ - Guelphs و Ghibelins - گلفها که به آلمانی Welfen نامیده میشوند در قرون وسطی از قرن ۱۲ تا ۱۵ بخصوص در ایتالیا طرفداران پایان و آزادی و خودمختاری بلاد ایتالیا را می نامیدند، در حالیکه ژیلن ها (این کلمه شاید از کلمهٔ آلمانی Waiblingen که نام یکی از بلاد آلمان در ایالت ورتمبرگ است و در قرن یازدهم مرکز تیول و املاک خاندان قیصران اشتاوفن بوده آمده باشد) هوادار قیصره خاندان اشتاوفن Staufen بودند و منازعات خونین بین آنان قرنهای ادامه داشت تا بالاخره با مداخلهٔ فرانسه و لشکر کشی این دولت بسال ۱۴۹۴ با ایتالیا خاتمه یافت. (مترجم).

۲ - در بارهٔ نظر ایلخانان نسبت به دیانت مسیح و روابط آنان با مغرب زمین بخصوص با دربار نگاه کنید به پلیو P. Pelliot مقالهٔ مغولها و دولت پاپ بقیه حاشیه در صفحهٔ بعد

متحدین خود را از بین سلاطین مملوک مصر انتخاب میکردند و بنابراین بدیهی است که همکار یا همکاران رشیدین الدین را در تالیف تاریخ فرنگ باید در بین طرفداران پاپ جستجو کرد و این خود از لحن کتاب رشیدالدین که متمایل بیابان است ثابت میگردد و فقط این مسئله باقی میماند که آیا این شخص طرفدار پاپ که بارشیدالدین همکاری داشته از طبقه روحانیون بوده است یا غیر روحانیون.

بنظر من باب مورد بحث از کتاب رشیدالدین چه از نظر سبک نگارش و چه از نظر محتویات آن باید از شخصی غیر روحانی ولی طرفدار پاپ باشد که بسیار سفر کرده بوده است. و با توجه به اشارات متعددی که در این باب بامور تجارتنی گردیده و سایر مطالب مندرج در آن با احتمال قوی این شخص باید بازرگانی جهان دیده و فاضل بوده باشد و شاید هم وی یکی از همان تجار بانفوذ ایتالیائی باشد که در آن زمان در تبریز اقامت داشته اند و از الطاف و مراحم دربار ایلخانی برخوردار بوده.

در این مورد هر شخص مطلع بی آنکه مایل باشد بی اختیار فکرش متوجه ایولوس داپیزا (که ایولوس Isolus و اوزولوس Ozolus و جیا کومو Gia Como نیز نامیده شده) میگردد که شخصیتش هنوز کم و بیش در پس پرده اسرار پنهانست و در مقدمه کتاب از او بعنوان پادشاه پیزا یاد و بدوستی او با سلاطین مغول اشاره شده است و نیز از همین شخص در نامه ای که از پادشاه اراگون در دست میباشد

بقیه از صفحه قبل

Les Mongols et la papauté در مجله شرق عیسوی L'orient Chrétien سری سوم ج ۲۳ (۱۹۲۲/۲۳) و ج ۲۴ (۱۹۲۴) و ج ۲۸ (۱۹۳۱/۳۲) و سورانزو G. Soranzo - دولت پاپ و اروپای عیسوی و تاتارها Il papato, L'Europa Cristiana e i Tatars میلان ۱۹۳۰
مخصوصاً ص ۲۰۷ و ما بعد - واشپولر B. Spuler مغولها در ایران Die Mongolen in Iran
چاپ لپنیک ص ۲۰۵ و ما بعد مخصوصاً ص ۲۴۴ و ما بعد و منابعی که در این کتاب ذکر شده.

بعنوان شوالیه و معتمد پاپ نام برده اند^۱ بنابراین بهیچوجه بعید نیست که وی همان کسی باشد که توسط او اطلاعات مربوط به اروپا در اختیار رشیدالدین قرار گرفته است ولی چون هنوز سند و مدرکی برای اثبات این ادعا در دست نداریم این نظر فعلاً حدسی بیش نیست.

و اما راجع به باب چهارم که در تاریخ پایان و قیصره است باید در نظر داشت که کلیه کتب تاریخی اروپای آن زمان که میتوان آنها را بعنوان منبع رشیدالدین مورد رسیدگی قرار داد عموماً دارای منشا کلیسایی هستند بنابراین حل این مشکل که چه کسی در انتخاب منابع کتاب رشیدالدین دست داشته است از روی مندرجات این کتاب زحمت بیفایده است. این شخص ممکن است بازرگانی فاضل مثلاً همان ایولوس داییزا باشد که قبلاً ذکر شد و هم امکان دارد که یکی از کشیشان کاتولیک بوده باشد. ولی در مورد ترجمه این منابع و انتخاب مطالبی از آن شاید رشیدالدین از همکاری چندتن از کشیشان استفاده کرده باشد، هر چند که بعضی قرائن مؤید این حدس نمیباشد^۲.

اکنون این سؤال پیش میآید که رشیدالدین برای تألیف کتاب خود از کدام منابع با احتمال قوی استفاده کرده است؟ برای پاسخ باین سؤال باید به کتب

۱- ر.ك: L. Wadding, Annales ordinis minorum ج ۵ ص ۱۹۸ و ۲۵۹

و J. L. V. Mosheim, Historia Tatarum ecclesiastica و هلمشتدت ۱۷۴۱ ص ۷۷ و ضمیمه آن ص ۹۷ و ۱۰۵ و سورانزو در همان کتاب فوق ص ۲۷۷ و ۳۳۴ و اشمولر در کتاب فوق الذکر ص ۲۳۳ و هاید W. Heyd در تاریخ تجاری شرق در قرون وسطی Geschichte d. Levantehandels im Mittelalter اشتوتگارت ۱۸۷۹ ج ۲ ص ۱۱۱.

۲- زبان لاتین را برای ترجمه منابع غیرروحانیون باسوادان عصرهم میدانستند. بنابراین آشنائی باین زبان دلیل روحانی بودن نیست و ازاین گذشته مترجم منابع رشیدالدین بچگونگی درجات و مراتب کلیسای کاتولیک درست آشنا نبوده و این از يك روحانی بعید است.

تاریخی مفصل و متعددی که در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در فرانسه و ایتالیا نوشته شده و حتی قرن‌ها بعد هم مورد استفاده بوده است نظری افکند. این کتب تا حدی نوعی ادامه همان فهرست‌هایی است که در قرن دوازدهم از نام‌های پایان و قیصره بترتیب زمان زندگی آنان با ذکر مدت پایی و قیصری هر یک بسال و ماه و روز و شرح مختصری در باره هر یک ترتیب میدادند^۱. و اینرا نیز باید گفت که هر چند تألیفات قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی نسبت به فهرست‌های فوق دارای تفصیل بسیار بیشتری هستند ولی از لحاظ تاریخی اعتبار و سندیت آنانرا ندارند.

از جمله این کتب مفصل تاریخی قرن سیزدهم و چهاردهم که مؤلفان آنها تقریباً همه از فرقه کشیشان دومینیکی بوده‌اند و در آن زمان بسیار مقبولیت عامه داشته‌اند کتب ذیل را میتوان نام برد:

تاریخ و نسان دو بووه Vincent de Beauvais (۱۲۶۴+) ۲.

تاریخ مارتینوس اوپاوینسس Martinus Oppaviensis که به مارتینوس پولونوس Polonus نیز شهرت داشت (۱۱۷۸+).

تاریخ لئون دوریو Leon d'orvieto (۱۳۱۴+) ۳.

و بالاخره تاریخ برنارد کوئیدونیس Bernard Cuidonis (۱۳۲۱+) ۴.
در میان این کتب مخصوصاً تألیف مارتینوس اوپاوینسس که در نیمه دوم قرن سیزدهم نوشته شده بیش از همه شهرت داشته و در همان زمان تقریباً همه زبانهای

۱- رگ: راتن باخ W. Wattenbach منابع تاریخ آلمان Deutschlands Geschichtsquellen

چاپ جدید توسط هولتزمان Holtzmann برلن ۱۹۳۹ ج ۱ ص ۳۳۳ و بعد.

۲ - Speculum historiale, Douai 1621

۳- Chronicon چاپ I. Lami در Deliciae eruditorum فلورانس ۱۷۳۷ در ۲ مجلد.

۴- Histoire des Papes او که در Specilegium Romanum ج ۶ رم ۱۸۴۱ و

قسمتی از آن در Le Liber pontificalis چاپ L. Duchesne پاریس ۹۲ - ۱۸۸۶ ج ۲

ص ۴۶۲ و بعد به چاپ رسیده است.

اروپائی ترجمه گردیده است . حال ببینیم علت این شهرت و محبوبیت چه بوده است؟ در نظر مورخان این کتاب بی ارزش ترین کتاب نوع خود و مملو از مجعولات و قصص بی اساس می باشد ولی شاید هم بخصوص بهمین علت و نیز بسبب سادگی سبک نگارش آن چنین مقام ممتازی را کسب کرده است .

از این گذشته در آن زمان باین کتاب تاحدی مانند نوعی تاریخ رسمی پاپان و قیصره می نگریسته اند ، چونکه مؤلف آن دیرزمانی در دربار پاپ دارای مقامی شامخ و بلند بوده است ^۱ . با توجه باین تفصیل این حدس نزد من بوجود آمد که شاید رشیدالدین از این کتاب استفاده کرده باشد و خوشبختانه پس از رسیدگی معلوم شد که این تصور باطل نبوده است . اکنون بعقیده من قسمت اعظم تاریخ فرنگ رشیدالدین اقتباسی است بصورت اختصار از کتاب هارتینوس یا از تاریخ دیگری که با آن قرابت و نزدیکی داشته است .

ترتیب اسامی پاپان و قیصران و مدت فرمانروایی هر يك و دیگر مطالبی که در کتاب رشیدالدین است با وجود اینکه بصورت اقتباس و ترجمه آزاد نقل گردیده بقدری با مطالب تاریخ هارتینوس اوپاوینسیس مطابقت دارد که بنظر من تقریباً محال است بتوان کتاب دیگری را غیر از این کتاب بعنوان منبع اصلی رشیدالدین در نظر گرفت ^۲ و نیز از این نکته که در هیچ يك از نسخ خطی رشیدالدین و همچنین در

۱- چون روش مورخان اروپا در قرون وسطی چنین بوده است که مطالب خود را بدون ذکر مأخذ آزادانه از کتب دیگر اقتباس و حتی رونویس کنند، تعیین دقیق مأخذ و منبع اصلی غیرممکن است و در این مورد باید مانند ما به نتایج کلی بسنده کرد .

۲- جهت نشان دادن تبعیت رشیدالدین از هارتینوس در زیر نویس ترجمه متن بفرانسه بمطالب مشابه هارتینوس اشاره کرده ام و برای فهم بهتر این ترجمه گاه گاه بین قوسین افتادگیهای مربوط با اسامی پاپان و قیصره را آورده ام و نیز در مورد تاریخها و غیره بخصوص در مورد پاپان از Liber Pontificalis استفادت بسیار برده ام .

نسخه‌ای از کتاب بنا کتی، ذکر می‌کند از دوران پاپی ژان بمیان نیامده معلوم می‌شود که مورخ، مطالب خود را از دو نگارش نخستین کتاب مارتینوس که در آن این داستان وجود نداشته است اقتباس کرده است.^۱

گذشته از این منبع اصلی، رشیدالدین در تألیف خود بطور اختصار از چند مأخذ دیگر استفاده کرده است و احتمالاً تاریخ سوریا Chronicon Syriacum و تاریخ کلیسا Chronicon Ecclesiasticum هر دو تألیف ابن عبری Bar Hebraeus و چند روایت معمول دیگر از آن جمله می‌باشند ولی نظر به کوتاه نویسی که شیوه مورخ ماست می‌توان در این باره نظر قاطعی ابراز داشت.

از آنجا که رشیدالدین اطلاعات خود را درباره تاریخ فرنگ از کتاب مارتینوس اوپالینسیس یا از منابع دیگری که کاملاً تابع این کتاب بوده‌اند کسب کرده است موجب آن گردیده که علاوه بر مطالب فراوان تاریخی مقداری روایات جعلی و افسانه‌ها و قصص نیز وارد کتاب او بشود. مطالب اخیر متعلق بر روایات حماسی و افسانه‌ای مغرب زمین در قرون وسطی می‌باشد که نه تنها به کتب تاریخی آن زمان راه یافته‌اند بلکه آنها را جدا گانه نیز در مجموعه‌ها و سفینه‌های مخصوص گردآوری کرده‌اند که مشهورترین و رایج‌ترین آنها Le genda Aurea تألیف Jacobus a Voragine می‌باشد.

این روایات معمول و قصص موجود در کتاب رشید الدین را می‌توان به سه طبقه تقسیم کرد بدین قرار:

- ۱- داستانها و روایات مربوط بروم قدیم و آثار آن.
- ۲- روایاتی که مربوطست به پاکن عیسوی و معجزات عالم مسیحیت.

۱- بنا بر نظریات جدیدی که متکی بر عقیده ویلاند Weiland می‌باشد این داستان توسط شخص مارتینوس قبل از سال ۱۲۷۸ به نگارش سوم تاریخ خود افزوده شده است.

۳- قصص و افسانه‌های خارج از این دو بحث از قبیل روایات بومی که قسمتی از آن مربوط به دوران پیش از مسیحیت می‌باشد.

مطالب افسانه‌ای و قصص متعلق بطبقه اول در تاریخ افرنج بقرار ذیل می‌باشد :

روایت مربوط به بنای شهر روم و نخستین بنیاد نهنده آن ساتورن (در متن : ستورنس = نمرود تورت) تا داستان رمولوس که تقریباً مطابق مندرجات کتاب *Graphia aureae Urbis Romae*^۱ که یکی از منابع مارتینوس اوپاوینسیس بوده است می‌باشد.

یکی از قرائنی که نشان می‌دهد که رشیدالدین در تألیف کتاب خویش از منابع دیگری هم غیر از کتاب مارتینوس اوپاوینسیس استفاده کرده است داستان ذیل از کتاب اوست که در تاریخ اوپاوینسیس دیده نمی‌شود و آن قصه معروف دومیسین امپراطور روم است (در متن: دومیپیانس) که بتخانه ستون دار در روم بساخت و از هر ولایتی بتی بآنجا آورد و هر وقت دشمنی بروم می‌آورد روی آن بتها بسوی آن دشمن بود تا دفع آن می‌کردند. این داستان را در روایات مربوط بروم قدیم بعضی در باره مجسمه‌های کلپیتول و برخی درباره بت‌های پانتئون *Panthéon* آورده‌اند.

دیگر از مطالب مربوط باین طبقه از قصص کلیه روایاتی است در باره یافتن گنج‌هایی از روی مجسمه‌ها و کتیبه‌های قدیمی.

بنابر آنچه که گذشت طبیعتاً در کتاب ما قصص متعلق بطبقه دوم فراوان تر از

۱- این کتاب منتخبی از سه کتاب: *Historia Romana a Noe usque ad Romulum*؛

Mirabilia urbis Romae

Libellus de ceremoniis aule imperatoris

می‌باشد. رجوع کنید به چاپ P. E. Schramm در *Kaiser, Rom und Renovation* لایپزیک

۱۹۲۹ ج ۲ ص ۳۷ و بعد. همچنین رجوع کنید به چاپ قدیمتر از *Mirabilia Romae* از G. Parthey

برلین ۱۸۶۹ - فقط از کتاب اول مطالبی نزد رشیدالدین باز می‌یابیم.

داستانهای متعلق بدو طبقه دیگر است در مورد مطالب مربوط بولادت و جوانی حضرت مسیح علیه السلام نیز ممکن است مؤلف مانع از کتاب مارتینوس اوپاوینسیس از مأخذ دیگری هم از قبیل انجیل‌های جعلی و روایاتی از آن گونه که در Le genda Aurea دیده میشود استفاده کرده باشد .

از اینکه بگذریم مندرجات کتاب رشید الدین در این مورد کاملاً با مطالب تألیف مارتینوس اوپاوینسیس مطابقت دارد. و در هر دو کتاب مشهورترین روایات و قصص عیسوی دیده میشود. مثلاً داستان رفتن پاپ کریاکوس (Cyriaque) با یازده هزار دختر با کره بشهر کلن (آلمان) و قصص معروف درباره قسطنطین امپراطور روم و چگونگی شفایافتن او از بیماری برص بدست پاپ سیلوستر (در متن : سلفستروس) و گرویدن او بدین مسیح بر اثر معجزه زنده شدن گاوی که زمبری جادوگر آنرا کشته بود و منتقل کردن او پایتخت خود را به قسطنطنیه و واگذارن روم و ممالک فرنگ به پاپ . دیگر داستان بیرون آمدن اصحاب کهف در زمان نئودوسیوس قیصر و قصه ظاهر شدن ابلیس بصورت موسی بر جهودان در جزیره کرت و خلق را بقدر وعده دادن و داستان ترسیدن ساحر (مغ!) پارسی موسوم به اناستاسیوس بعهد پاپ انوریوس اول و قصه پاپ شدن سیلوستر دوم بمدد ابلیس و کیفیت توبه و کفاره گناهان او .

و اما از جمله روایات متعلق به طبقه سوم باید قصص عامیانه را بر شمرد از قبیل داستان بزرگی (امیر یا اسقف) که موشان (یا شپشها) ویرا دریدند که در اروپای شمالی و شرقی بسیار معروف است و قصه درختی که مرغ بار میآورد که در اروپای غربی شنیده میشود .

این قصص بسیار قدیمی مخلوق تخیلات عوام و اعتقاد مردم بمعجزات در مغرب زمین است که در کتاب رشید الدین بین مطالب خشک تاریخی قرار گرفته‌اند

و همین باین کتاب لطف خاصی می بخشد بخصوص وقتی در نظر بگیریم که این روایات از این طریق وارد مشرق زمین گردیده اند شاید بتوان این موضوع را پاداش و عوض ناچیزی از جانب مغرب زمین دانست در مقابل انبوه داستانها و قصصی که از مشرق گرفته است. اما با وجود منظر جذاب آن در این مورد نباید راه اغراق و گزافه گوئی را پیمود چونکه میدان انتشار این داستانها در مشرق زمین محدود بخوانندگان باسواد کتابهای رشید الدین بوده است.

چاپ حاضر تاریخ فرنگ از روی دو نسخه خطی ذیل انتشار یافته است :

۱ - نسخه شماره ۲۰۸ (ورق ۱۵۹ - ۱۴۴) کتابخانه دولتی (ملی) باویر در مونیخ Bayerische Staatsbibliothek که در این چاپ با علامت M بآن اشاره می شود^۱.

۲ - نسخه شماره ۲۸۲۸ (ورق ۳۶۸ الف - ۳۰۷ ب) دیوان هند India office که در چاپ حاضر با علامت ۱۰ آنرا ذکر می کنیم^۲.

از این دو نسخه نسخه اول هر چند افتادگی های بسیار دارد بیشتر مورد اعتماد است و ما آنرا اساس کار خود قرار دادیم.

هر دو نسخه در دوره های اخیر نوشته شده است. نسخه مونیخ متعلق است به آغاز قرن ۱۸ (؟) و نسخه دیوان هند در قرن هفدهم میلادی (۱۶۷۱ میلادی = ۱۰۸۱/۸۲ هجری) کتابت گردیده است و هر دو را بخط تعلیق خوانای خوب نوشته اند. از مقایسه و رویهم نهادن این دو نسخه تقریباً متن کامل تاریخ فرنگ بدست می آید.

۱- رك: اومر نسخه های خطی فارسی کتابخانه سلطنتی و دولتی در مونیخ - طبع مونیخ ۱۸۶۶ ص ۷۱.

J. Aumer, Die persischen Handschriften der Koniglichen Hof- und staatsbibliothek in München.

۲- رك: اته فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه دیوان هند - اگسفورد ۱۹۰۳

ج ۱ ص ۲۸-۱۵۲۷.

H. Ethé, Catalogue of Persian manuscripts in the library of the India office.

در آغاز قصد داشتیم برای مقابله از نسخ معتبر دیگر نیز بخصوص نسخه خطی کتبخانه توپ قای سرای اسلامبول استفاده کنم ولی نظر با اقدامات احتیاطی که دولت ترکیه برای حفظ گنجینه‌های فرهنگی خود در جنگ اخیر بعمل آورده بود این نسخه در دسترس نبود و نقشه من عملی نشد - در آغاز کار نبودن این نسخه نقص کاملاً محسوسی بود ولی بادست یافتن بدو مأخذ بسیار عالی و معتبر دیگر تا اندازه‌ای این نقص جبران گردید و این دو مأخذ عبارتند از :

یکی نسخه خطی بنا کتی که در سال ۹۶۲ هجری (۱۵۵۴/۵ میلادی) کتابت شده و تحت شماره ۲۶۳۴ در کتابخانه دانشگاه لیدن هلند موجود است و ما در چاپ حاضر با علامت B از آن یاد میکنیم .

دیگری تاریخ مارتینوس اوپاوینسیس که ظاهراً منبع اروپائی رشیدالدین بوده است و در چاپ حاضر هر جا لازم بوده با علامت MC) نموده شده است . این دو کتاب مراد در تنظیم مجدد متن اصلی تاریخ فرنگ و روشن کردن قسمتهای تاریک و مشکوک آن مدد کرده‌اند ، حتی بدون اغراق میتوانم ادعا کنم که بدون استفاده از کتاب مارتینوس اوپاوینسیس قسمت اعظم متن تاریخ فرنگ که بدست کاتبان بی سواد خراب و مسخ گردیده است بکلی غیر قابل فهم میماند .

رشیدالدین در تاریخ فرنگ نه تنها از حیث مطالب از سر مشق اروپائی خود تبعیت دقیق کرده است بلکه در مورد شکل ظاهری کتاب خویش یعنی تقسیم و طبقه بندی مطالب و تزئین و نقاشی آن نیز به آن نسخه‌های اروپائی توجه داشته‌است چنانکه در کاملترین نسخ موجود آن مثلاً در نسخه خطی کتبخانه توپ قایی سرای و در نسخه دیوان هند کاملاً مانند فهرستهای اروپائی مشابه اسامی پایان و قیصران با شرح زندگی آنها و سایر مطالب بترتیب تاریخ حیاتشان در دو ستون موازی هم از بالا به پایین نوشته شده‌است . ولی کاتبی که بعدها نسخه مونیخ را رونویس کرده‌است از رعایت این ترتیب که برای او دشوار بوده چشم پوشیده و پایان و قیصره را بترتیب

پشت سرهم نوشته است^۱ و هر چند این شکل از نیت اصلی مؤلف بدور است و متن را مبهم و تاریک میکند معذک بعنوان اساس چاپ حاضر سودمند بود.

نسخ خطی کامل تاریخ افرنج نشان میدهد که این کتاب در اصل دارای تصاویر پایان و قیاسره نیز بوده است ولی من تا کنون به نسخه‌ای که دارای این تصاویر باشد برخورد نکرده‌ام. در نسخه خطی اسلامبول فقط بطور کلی قسمتی از تصاویر را برگ قرمز طرح ریزی کرده‌اند و در نسخه دیوان هند جای تصاویر را خالی گذاشته‌اند تا بعداً نقاشی شود^۲ ولی در نسخه خطی مونیخ و همچنین نسخه خطی تاریخ بنا کتی هیچگونه اثر و نشانی از قصد مصور کردن آنها وجود ندارد.

در مورد ترجمه متن بزبان فرانسه تذکر این نکته را لازم میدانم که منظور اصلی من در ترجمه حتی الامکان پیروی دقیق از متن اصلی فارسی بوده است و هرگز این قصد را نداشته‌ام که سبک ساده و بی پیرایه متن فارسی را فدای رعایت فصاحت در ترجمه فرانسه بنمایم.

کارل یان

- ۱- در نسخه خطی بنا کتی لیدن که ظاهرأ کاتب تقسیم‌بندی اصلی مؤلف را محفوظ داشته است تاریخ پایان و قیاسره در دو فصل جدا از هم آمده است.
- ۲- در نسخه دیوان هند شرح تصاویری را که قرار بوده بکشند نوشته‌اند ولی من عبارات مثلاً تصویر پاپ عمرو و یا تصویر قیصر زید را در متن چاپ حاضر نیآورده‌ام.

باب سیم از قسم دوم از تاریخ افرنج

در معرفت ولایت افرنج و بختار و جزایر آن

زمین افرنج بسیط و عریض است و مملکتی وسیع در جانب غربی
شمالی از ربع مسکون و حد اول او از جانب جنوب بحر روم است .
طولش ممتد است از مغرب بمشرق، میان طنجه و شام؛ و حد دوم از طرف
شمالی بلاد روس و ترك رصه^۱ به^۲ حد سیم طرف مشرق در جنب ولایت
یونان؛ حد چهارم بحر محیط غربی معروف باوقیانوس و درین^۳ مملکت اول
از جهت مشرق بلاد الامانیه و وسط بلاد افرنسه^۴ آخر بلاد اندلس اصل آن
مملکت مدینه رومیه^۵ عظمی است و دارالملک فرنگان آن شهر ست و اول
کسی که آنرا بنیاد نهاده ستورنوس بوده^۶ که در تورات نام [او] نمرود آمده و
او را پسر ناخلف بود، ترسید که او را برادری شود پدر را بگرفت و خادم
کرد و ستورنوس از استیلای پسر بگریخت و زمین رومیه رفت جای عظیم
نزه^۷ و خرم دید، شهر رومیه را بنیاد کرد و هر امیری بحسب مرتبه عمارتی
کردند و بعد از آن چون مرتبه پادشاهی بر و ملوس رسید آن شهر را
بارو کشید و نام خود را بدانجا نهاد و عجم آنرا هرومه خوانند و وسط
ولایت و دارالملک افرنج شد و دور آن^۸ تقریباً بیست فرسنگ باشد

۵ - ج : فره ؛ سج : سبز ، نرت . (متن

تصحیح قیاسیت) .

۶ - سج : خود آنجا .

۷ - سج : او .

۱ - سج : و غیره .

۲ - ج : و آن .

۳ - سج : کرد ... بود .

۴ - سج : افروده ؛ غلبه .

سید و شصت برج بر روی آن ساخته اند و در ماه ایار رومی که چهار هزار و چهارصد و هشتاد سال از تاریخ آدم گذشته است باروی آن شهر ساختند و بعد از روملوس هفت پادشاه از فرزندان او متعاقب بودند در مدت دوست و چهل سال و سقراط حکیم در زمان ایشان بود. بعد از عهد فرزندان روملوس هر سال پادشاهی را بر تخت می نشستند و آخر سال معزول میکردند ۵ تا چهارصد و هجده سال برین بگذشت. بعد از آن جلیوس بادی آمد. بعد از جلیوس دیگر بار پادشاهی بطناً بعد بطن شد و از پدر پسر بر سید و جلیوس چون به پنجاه و شش سال رسید^۲ زماند^۳ بعد از آن اغستوس پادشاه شد و مدتی مدید آنجا قیاسره مقام داشتند و اکنون مقام پاپان هست که خلفای مسیح علیه السلام اند و آن شهر در غایت معمور است. ۱۰

و ترتیب پادشاهان^۴ افرنج چنانست که مرتبه اول پاپست که معنی آن پدر پدران باشد و اورا خلیفه^۵ مسیح میداند و بعد از آن قیصر^۶ و بزبان افرنج قیصر را انپروور گویند که معنی آن سلطان سلاطین باشد. بعد از آن رید افرنس که معنی آن پادشاه پادشاهان باشد. و از آن روز که قیصرست پادشاهی تاموت ندارد. اورا بحسب وزیادت^۷ دیانت و استعداد از میان جمعی مستعدان اختیار میکنند و پادشاهی می نشانند و رید افرنس پادشاهی بمیراث دارد اباً عن جد و اکنون بغایت معظم و معتبرست و در تحت فرمان او دوازده پادشاهند هر پادشاهی را سه ملک مطیع اند. بعد از آن^۸ رای که معنی آن ملک و خداوند باشد و مرتبه پاپ^۹

- | | |
|---------------------------------|----------------------------|
| ۱ - نج : بتخت نشستند . | ۶ - نج : سروران و پادشاه . |
| ۲ - نج : سال عمر او گذشته بود . | ۷ - نج : و مرتبه دوم . |
| ۳ - نج : ایشان . | ۸ - کلمه از نج است . |
| ۴ - نج : این . | ۹ - نج : مرتبه چهارم . |
| ۵ - نج : نهایت معمورست . | ۱۰ - نج : پایان |

تا غایتی بلند و بزرگست که هر گاه که خواهند که قصیری را نصب کنند
 هفت کس از مهمتران^۱ که جهت آن تعیین اند در آن باب کسکاج کنند سه
 مرچساده امیر بزرگ و یکی پادشاه و در جمله اعیان فرنج تبیح کنند تا
 قرب ده کس را برگزینند، از میان آن ده یکی را که بزه و صلاحیت و کفایت
 و عفت منسوب باشد و بامانت و دیانت و ثبات و وقار و حسن اخلاق و شرف
 و کمال نفس موسوم بعد از استقصاء تمام اختیار کنند و تاجی از نقره بر سر
 او نهند و^۲ در ملک الامانید، که زعم افرنج آن ولایت را ثلث ربع مسکون
 میباشد و از آنجا بولایت لنبر دبه آیند، آنجا تاجی از پولاد بر سر او نهند،
 برومیه کبری شهر پاپ آید و پاپ تاجی از زر بهر دو پای بردارد و بر سر
 او نهند و بعد از آن او خود را بیفکنند آنگاه رکاب گیرد تا پاپ پای بر سر
 و کردن او نهند و بر تن او برود^۳ و بر اسب نشینند آنگاه اسم قصیری بر و اطلاق
 کنند و پادشاهان افرنج منقاد و مطیع او شوند و حکم او در بر^۴ و بحر ولایت
 افرنج روان گردد.

و ابتداء ولایت افرنج از پیش مغربست که موازی و موازی
 آن دریاست که در موضع هر دو ساحل آن همچنان بیکدیگر نزدیک میشود
 که عرضش به پنج فرسنگ رسد و طول آن هوضع بیست فرسنگ و آنرا زقاق
 میخوانند و آن زمین را فرنگ اسپانیا گویند و طول کما بیش یکماه راه
 باشد و در آن چند پاره شهری معرورست بدین تفصیل^۵: بلنسیا، هر سیه، شاطبه
 طلیطاله، اشبیلیا، قرطبه... و چند پاره جزیره خرد و بزرگ^۶ چون: ایسیا، منور که

۱ - نج: معتبران.

۲ - واو زائد می نماید.

۳ - نج آنگاه رکاب گیرد تا پاپ پای بر سر و

کردن او نهند.

۴ - نج: آن ولایات.

۵ - نج: فی الجمله این ولایات.

۶ - نج: بزرگ و کوچک.

میور که... و جزیره صقلیه. فی الجمله آن ولایات مذکوره را در اوایل عهد اسلام مسلمانان فتح کرده بودند و در دست پادشاهان مغرب بود و در سنه ستین و ستمایه ری قطلونید از مسلمانان بستند، اکنون خراج بهری اسپانیاء دهند و مسلمانان را که سکنان جزیره صقلیه بودند با شهر لوجیره که در وسط مالک افرنج است آوردند و بجای ایشان قوم ترسایان را باین جزیره فرستادند جهت احتیاط تا با مغاربه یکی نشوند. و در آن وقت که مسلمانان عگه را بستند و در زمین ایران مسلمانان کلیسیاها را خراب کردند و ننگان آن مسلمة نان را که قریب دویست هزار نفر بودند در عوض آن شهید کردند. و اکثر مردم شهر طلیطله بنو اسرائیل اند از فرزندان یهودا بن یعقوب علیه السلام.

۱۰

و در ابتداء مغرب آن طرف که با جانب شمال دارد ولایتی است طول آن یک ماه راه، پادشاهی بزرگ معتبر دارد نام او ری پردگله^۴ و اورامال فراوان و لشکری پایانست و احیاناً میان او و ری اسپانیاء مصاف افتد و محاذی این زمین در میان دریای محیط دو جزیره است: یکی ابرنیا و از خاصیت خاک آن زمین آنست که حشرات زهر دار می میرند و در آن زمین موش تولد نمی کنند و مردم آنجا دراز عمر باشند، سرخ روی و بلند بالا و قوی و هیکل و دلاور و در آنجا چشمه آب روانست که اگر چوبی در آن نهند بیك هفته ظاهر آن سنگ گردد و نام جزیره ای که بزرگترست انگله تر و در آن کوه خواص (۹) بسیار و معادن بیشمارست از زر و نقره و مس و قلعی و آهن، انواع میوه ها، و از عجائب آن زمین درختی است که هر مرغ بار

۲۰

۴ - نج : انگلیتر .

۱ - نج : پادشاهی .

۵ - نج : متولد نمیشود .

۲ - نج : بآن .

۶ - نج : درخت میوه فراوان .

۳ - نج : و این ولایت را از نقطه .

- میآورد و چنانست که بوقت شکوفه انبانی مثل سیب از آن بیرون میآید
در میان آن صورت مرغیست، چون کلان شود جان میگیرد و بیرون میآید،
آنها^۱ نگاه میدارند و دانه میخورانند^۲ تا مقدار بطی^۳ بزرگ میشود^۴ و گوشت
اهل آن زمین بیشتر از آن مرغ است و تقریر میکنند که میان عیسویان
که بوقت روزه حیوانی نمیخورند در خوردن آن اختلافست بعضی او را
از نباتی میدانند^۵ جهت آنکه بار درختی است و بعضی از حیوانی چه آواز
آن خون میآید و در آن هر دو جزیره کوسفندان میباشد که از شمشان
صوف قدسی و سقر لاط بغایت لطیف میآید و پادشاه هر دو جزیره را نام
سقوطلانده^۶ است و خراج بدری انگله تر میدهند و بعد از آن ولایتی است
معتبر و بغایت بسیط و عریض و بیشتر آن خشک است و بعضی دریا دارد
و در جنب الامانیه ولایت قیصر افتاده و پادشاه آنجا را ریدافرنسی خوانند
و انگله تر پادشاه جزایر خراج گذار اوست و در جنب این ولایت ریدافرنس
الامانیه است که ولایت قیصر است و دوازده پادشاه معتبر و مقتدا دارند
و خراج گذار قیصر و در جنب الامانیه مملکت دیگر هست که اورا بوهیمیا
خوانند و پادشاه آنها را ساقی گویند مطیع قیصر است و صد هزار سوار دارد
و متصل بآن ولایت مملکت بزرگ است و پادشاهی معتبر نام او پولوفیا
و در آنجا کوههاست پر جواهر و معادن فلزات^۷ و درین چند سال او نماند
و ملک اورا ری بوهیمیا بتغلب بگرفت^۸ و اکنون در تصرف اوست و در جنب

۱ - نج : ده سال
۲ اصل : میخورند . (متن تصحیح قیاسیست)
۳ - نج : درختی است که مرغ بار میآورد و آنچنانست که بوقت شکوفه انبانی مثل سیبی
از آن درخت بیرون میآید مرغی در آن میان و منقار آن بچوب متعلق میباشد و بگام رسیدن
میوه مرغی که درو متولد شده بمنقار آن انبان را سوراخ میکند و بیرون میآید، و آنرا ده سال
نگاهداری مقدار بطی بزرگ شود .
۴ - نج : آنها از نباتی می نهند .
۵ - نج : سقوط طلانده ؛ سقوط طلانده باشد .
۶ - نج : پر معادن جواهر فلزات .
۷ - نج : بدست بتغلب فرو بگرفت .

ولایت بولونیا ولایت دیگرست نام او پروسیه و آن مملکت از پاپانست^۱

که کلیم سفید می پوشند و صلیب سیاه بر سینه دارند و در قدیم الایام بت پرستان

و آتش پرستان داشته اند و بر ابر نقطه شمالست یکطرف او روی سوی روسیه

دارد که او را سقلاب گویند^۲ و مابین مشرق و شمال نهایتش بدریای محیط

میرسد و هوای آنجا بغایت سرد می باشد و روز زمستان^۳ و شب تابستان

ایشان در غایت کوتاهی میباشد و آن مملکت را پادشاهی است^۴ نام او

سویتیه^۵. و طول آن جزیره در میان دریا دور می کشد و از افراط برودت

کسی آنجا نمی تواند رفت^۶ و کهر بای زرد و سفید از آنجا میخیزد و متصل

بدن زمین مملکتی هست نام پادشاه آنجا گوئلنده، او را بنام جزیره ای که در

آن مملکت هست میخوانند و جزیره دیگر هست نام آن نورویگیه

و پادشاه آنجا را نیز بنام جزیره باز خوانند و تقریر میکنند که طول آن

ممتدست تا زیر نقطه قطب شمالی چنانکه بسمت الرأس میرسد و سنقور

سفید نیز از آنجا می آورند و میگویند که آدمی نیز هم در طفلی سفید موی

و سفید مژه و سفید ابر و باشد و راویان روایت میکنند که غایت درازی روز

آنجا در اول زمستان دو ساعت میباشد^۷ و بیست و دو ساعت صبح و شفق

چنانکه خطهای باریک نتوان خواندن^۸ و چون آفتاب با اول سرطان رسد

بعکس آن^۹ باشد و سبب این معنی آنکه فلک آنجا رجوی^{۱۰} میگردد و آنچه

در زبان خلق و افواه مردم افتاده که ظلمانی هست معتمدان ایشان تقریر

۱ - نج : مملکت زنان .

۶ - نج : توان رفتن .

۲ - نج : یکطرف او سوی روسیه که آنرا ...

۷ - نج : در اول آفتاب بحدتی دو ساعت .

دارد .

۳ - نج : افزوده : ایشان .

۸ - نج : افزوده : و نبستن .

۴ - نج : دارد .

۹ - نج : این .

۵ - نج : سولیا .

۱۰ - اصل : رجوی ، (متن تصحیح قیاسیت)

میکنند که از ابتدای آن جزیره تا انتهای دایمات می باشد چنانکه هرگز
 بر نمی خیزد و بدان سبب همواره تاریک بود باین اعتبار او را ظلمات گویند.^۲
 و مردم آنجا بغایت بزرگ هیكل و عظیم جثه میباشند و زود پیر شوند.
 و برابر زمین مغرب بغیر از ولایت اسپانیا متصل بآن زمینی است که آنرا
 کتلونیا گویند واره کونیه^۳ گویند نیز گویند و بسبب^۴ نام آن ولایت پادشاه
 آنجا را ری کتلونیه میخوانند و از کوههای آن ولایت سیماب میخیزد
 و معادن زر و نقره و مس نیز هست. و این^۵ ولایت کتلونیه سه ملک است: فلنسیه،
 مرسیه امیور که. و مردم آنجا بغایت شجاع و دلاور باشند تاغایتی که مردن
 را عیب دانند و کشته شدن را هنر شمرند. و در جنب^۶ کتلونیا ولایت دیگر
 هست که بر خط مشرق میرود و نام آن نربونا^۷ و بریسا^۸ آن ولایت دیگر
 هست معمور و کثیر الخلق و در آنجا طعمه عزیزالوجود و بالای آن^۹ ولایت
 هم بر خط مشرق موازی ولایت ری دافرس ولایتی است نام آن دلاوزه و در
 آنجا لشکر بزرگ هست و بالای آن متصل باین زمین شهر است نام آن
 پریس و در آنجا مردم بسیار مقیم و غریب تحصیل علوم طبی و حکمی کنند^{۱۰}
 متعلمان غریب در آنجا قرب صد هزار باشند و میان پریس و کتلونیا ولایت
 دیگر هست نام آن رد نفره پادشاه آن^{۱۱} با پادشاه مغرب دوست باشد
 و یکدیگر را تحف^{۱۲} و هدایا فرستند و بوقت احتیاج به لشکر مدد و مساعدت
 نمایند. و در جنب آن ولایت ولایتی است بغایت معمور و بسیار خلق بر ساحل

۱ - نج آنرا .

۷ - نج : بزرگ .

۲ - نج : و حیوانات در آنجا اندک باشد و میگویند .

۸ - برمران .

۹ - نج : ولایتی بغایت معمور ... است .

۳ - نج زودتر .

۱۰ - نج : این .

۴ - نج : اره کون .

۱۱ - نج افروده : و می گویند .

۵ - نج : بنسبت .

۱۲ - نج : آنجا .

۶ - نج : آن .

۱۳ - نج : یکدیگر را تهدید کنند .

دریا نام آن جنوه است و نام پادشاه آن جنوه و دویست فترقه دارد هر یک^۱
 سیصد مرد جنگی، شمول^۲ و تجار افرنج که باطراف مصر و شام و مغرب
 و اطراف روم و تبریز سفر میکنند از آن فرصه^۳ روان میشوند بکشتی و بالای
 آن ولایت هم بر^۴ خط مشرق بیابانست همان^۵ قریب چهل میل راه پیرامون آن
 بیست^۶ و دو پاره شهر معمور پر نعمت و لشکر آماده و در آن شهرها پادشاه^۷
 اصیل معتبر نیست صدور و اکابر آنجا مردی^۸ پارسای نیکو سیرت را نامزد
 میکنند و با اتفاق او را سالی پادشاهی مینشانند و در آخر سال منادی ندا
 کند که کیست که درین یکسال برو ظلمی رفته است باید که دادخواه شود
 جمله متظالمان حاضر شوند و گردن او را آزاد کنند بعد از آن دیگری
 را^۹ طلب دارند و پادشاهی نشانند و پیرامون آن صحراء لشکر بی اندازه
 است و در سوابق ایام اهل دو^{۱۰} شهر را بایکدیگر خصومت افتاد و از هر دو
 جانب ششصد هزار سوار و جنگ برنشسته در برابر یکدیگر آمدند و متصل
 بآن ولایت ولایتی دیگر هست نام آن بنویه و دارالملک آن شهری معظم
 است و در آنجا مردم بسیار با کتاب آداب و حکمت و فنون و علوم مشغول
 باشند و از آن زمین اسبان خوب چاق خیزند و در جنب آن ولایت ولایتی
 هست نام آن مکه و ترفیش و از آنجا نیز اسبان نیکو خیزند و در آن
 ولایت لشکری بسیارست و متصل بآن ولایت برکنار دریا شهری است نام
 آن فنیسه و اکثر ابنیه آن را از دریا برآورده اند و پادشاه آنجا را نیز

۱ - نج : راه پیراهیت .

۱ - نج : یکسر .

۲ - نج : پادشاهی .

۲ - نج : مشحون . (متن روشن نیست
 شاید : سیصد مرد جنگی مشحون ؟ بوده است)

۳ - نج : مرد .

۳ - نج : وجه .

۴ - نج : مردی .

۴ - ج : از .

۵ - نج : آن دو .

۵ - نج : هامان .

سپید قدرقه میباشد و آنجا نیز پادشاه^۱ باقوت و افضالت نیست، بزرگان شهر با اتفاق هم شخصی پارسای و متدین را به پادشاهی می‌نشانند و چون او در گذشت^۲ دیگری را اختیار کرده نصب کنند. و بالای این ولایت مملکتی هست بزرگ پادشاه آنجا بطریق ما کدنیاً^۳ بالشکر بسیار و نعمت بیشمار^۴ و در آنجا کوهیست که دائماً پر برف باشد و از آنجا^۵ بلور صافی می‌خیزد و از طرف شمال آن ولایت^۶ لنبر دیه است و میلان دیه^۷ و ... و در جنب بطریق مملکت^۸ بسیط عربی است بولایت قرم^۹ و بلغار پیوسته و در آنجا لشکر بیحد و فوقای از اروق جوچی بالشکر بزرگ مغول پیوسته تا ختن بآن ولایت میرد و ایشانرا میزند و او را بزبان^{۱۰} ایشان ماجرستان^{۱۱} میگویند. و از جانب لنبر دیه که روی بجانب^{۱۲} قبله دارند ولایت یکر هست نام آن مر کد نکونا که خانه پایست و ایشان دریای جنوب و طرف قبله نگاه میدارند و معاذی ایشان جانب دریای شمال نیز نگاه میدارند. و در جنب آن ولایت دیگر هست نام آن پاترمونیوس پترو^{۱۳} روی بجانب مغرب دارد و در میان ولایت لنبر دیه ولایت نزر گست نام آن ولایت^{۱۴} توسکانا و در آنجا چند پاره شهر معمور و لشکر ناهمصور و در جنب دریای مغرب نزدیک شهر جنوه شهر یست معتبر مشهور پیزا نام و در بر^{۱۵} و بحر آن لشکر فراوان و جول بهادر نام که او را با پادشاهان مغول و اذروق چنگیز خان دوستی و اتحاد بود پادشاه آنجا است. و بر شرق^{۱۶} ولایت رومیه کبراء ولایتست نام آن کنپانیه و در آنجا لشکر بسیار و بالای کنپانیه مملکتی است که طول آن یکماه

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ۱ - نج : پادشاهی . | ۹ - نج : قوم . |
| ۲ - نج : گذرد . | ۱۰ - نج : آنرا . |
| ۳ - نج : ما کلیسیا . | ۱۱ - نج : ما حورستان . |
| ۴ - نج : باشکری بیشمار و نعمتی بسیار . | ۱۲ - نج : بجنوب و . |
| ۵ - نج : کوهی است که . | ۱۳ - نج : ارموسونس، بامر موسیوس بیر . |
| ۶ - نج : این زمین . | ۱۴ - نج : آن . |
| ۷ - نج : متلان دیه . | ۸ - نج : مملکتی . |
| ۹ - نج : مملکتی . | ۱۵ - نج : در شرقی . |

راه باشد نام کلبیره و دو^۱ طرف آن غربی و شمالی دریاست و مرجان سرخ
از کنار دریا از جانب شمال آن ولایت بر میخیزد و در وسط آن مملکت
شهریست^۲ معظم نام آن لوچره و ساکنان آنجا^۳ جمله مسلمان بودند و کشته
شدند و متصل با آنجا جزیره ایست بزرگ از جانب مغرب نام آن صقلیه^۴
پادشاه آن ریچال^۵ در آنجا مرجان است و معادن بی اندازه^۶ پادشاه آن
جزیره از ولایت مغرب تونس خراج می ستاند و ریچال دختر به پسر ری
دارگون داده و جزیره صقلیه که قریب دو بیست فرسنگ است با و بخشیده
و در آن جزیره عجائب بسیارست از آن جمله کوهیست که پیوسته آتش از
آن میدرفشد^۷ روایت میکنند که بوقت اجتماع و استقبال قمرین شعله
آن آتش از آنجا فرسنگها میرسد و دریای آن کوه آب بزرگست آنرا
تمامت میجو شاندد و پیرامون آن جزیره دوازده کوهست و در آنجا خرماستان
و نیشکر بسیار^۸ و در حوالی آن جزیره جزیره چند دیگر هست و تمامت
افرنج دارند مابین تونس و صقلیه پنجاه میل باشد در دریا و میان خشکی
المانیه^۹ و نوروگیه مملکتی هست نام آن ردانیا^{۱۰} کوههای آن پر معادن
زر و نقره و دیگر جواهر و میان المانیه و ریدفانس ولایتی است که آنرا
فندر^{۱۱} خوانند و شهر دارالملک را اریس^{۱۲} و برینج فرسنگی شهر بیابانست^{۱۳}
و در آنجا کلیسای بغایت بزرگ و معتبر که آنرا ایوانس خوانند و در آن
کلیسیا خلق بسیارند و اطعمه عزیز الوجود و حکمت الهی چنان اقتضا کرده

۱ - نج : کارلو ودر ؛ کاریو ودر . ۷ - نج : درخشد .

۲ - نج : شهرست .

۸ - نج : خرستانی و نیشکر بسیار .

۳ - نج : آن .

۹ - نج : الامانیه .

۴ - نج : صقلیه .

۱۰ - رداسا ، ادوسیا ، دیراسیا .

۵ - نج : ریچال .

۱۱ - نج : فندر .

۶ - نج : و در نهایت آن ولایت جزیره ایست ۱۲ - نج : اریس .

۱۳ - نج : بیابانی .

بزرگ نام آن صقلیه .

است که هر سال چون آفتاب باول درجه جدی رسد تمامت هوای آن صحرا
از مرغ سیاه شود و هر يك دانه زیتون بمنقار گرفته بیاورند و در آن کلسیا
و حوالی آن می اندازند و باز میگردند تمام مدت سه شبانه روز بگذرد و بعد
از آن مرغ را^۱ نبینند و میگویند در صد فرسنگی آنجا درخت زیتون
نیست و کس نداند که از کجا میآورند و ساکنان آنجا آن زیتونها را
جمع کنند و طعام و ادام سازند و از بعضی روغن گیرند^۲ و در کلسیا
میسوزانند و این حکایت از عجائب عالم است و اهل فرنگ شکل و هیأت
ربع غربی را بر کشیده اند و آنرا باب مندو^۳ میخوانند و صورت تمامت ولایت
و جزایر و جبال و بحار و صحاری در آنجا نقش کرده و مقیاسی جهت مساحت
زمین بفراسخ ساخته و قطر آن را بده قسمت کرده اند و چون خواهند که
مقدار بین الموضعین بدانند آنرا پیرگاری قیاس کنند^۴ و صورت آن در
مجلد سیم ازین کتاب مبارک^۵ که بر صورت اقالیم مشهور^۶ است اثبات خواهد
یافت و فرنگیان بیست و پنج لغت سخن میگویند و هیچ طایفه زبان طایفه دیگر^۷
فهم نکنند.



۱ - نج : در آن حوالی .
 ۲ - نج : آرند .
 ۳ - نج : باب هندو ! باب
 ۴ - چ : پیرگار قیاس کنند .
 ۵ - یعنی اصل کتاب جامع التواریخ .
 ۶ - نج : افزوده : مگر زبان خط و حساب
 ۷ - که همه دانند .

باب چهارم از قسم دوم از تاریخ افرنج

در ولادت مسیح علیه السلام و حکایت حادثه او و ذکر پاپان و قیصره
که پادشاهان افرنج اند

در سال چهل و ششم^۱ از پادشاهی اغسطوس قیصر مسیح علیه السلام^۲ از مریم
عذراء در وجود آمد در بیت اللحم شب سه شنبه بیست و پنجم کانون الاول
سال سیصد و نه اسکندری و از معجزه^۳ او بتخانه^۴ بزرگ که در رومیه کبری بود
و تمامت^۵ صورتان عالم بر دیوار آن^۶ نقش کرده آراهی کل گفتندی بیفتاد
و خراب شد و هم در آن وقت چشمه^۷ روغن زیت در میان شهر رومیه از زمین
بر جوشید و روان شد و بر رودخانه^۸ طیمبروس که در میان شهر رومیه میرود
پیوست. و از پیش پادشاهان مجوس و فارس و خاقان ترکستان، که منجمان
ایشان را خبر کرده بودند که در این سال کودکی زاید در بیت المقدس که اهل
عالم مطیع و منقاد او شوند، جماعتی^۹ رسولان بر سیده بودند و کندرو^{۱۰} مر بجهت
بعور آورده. اغسطوس که و دکان بیت اللحم و قدس^{۱۱} میکشت بیوسف که
عم زاده^{۱۲} مریم بود و حی آمد که مریم را با طفل او بردار و بجانب مصر و او
هر دو را بگریزانید و بمصر رفتند و دو سال آنجا بودند و عیسی علیه السلام
هم در طفولیت^{۱۳} از راه معجزه از آب شراب ساخت و از يك خم رنگریزی
انواع الوان بیرون آورد. و چون سال او بسی رسید یوحنا پسر زکریا

۱- نج : سوم .

۵- نج : آنجا .

۲- نج : مسیح پیغمبر .

۶- نج : جماعت .

۳- نج : خافه .

۷- نج : کودکان بیت المقدس .

۴- تمام .

۸- نج : عیسی ... در طبی استاد .

اورا معمودیه کرد تا ترساشد. و معمودیه نصاری چنانست که آنکس را^۱ بکلیسیا برند و در حوض آب نشاند و آب گرم بشویند^۲ و نمازی چند بکنند و دعایی چند بخوانند و مذهبش تلقین کنند و روغن بیرون بیروی مالند چنانکه بر همه اعضا برسد آنگاه ترساشده باشد و اگر کودک^۳ باشد اورا و کیلی بر آرند.

۵

مسیح را علیه السلام در اول سال سی و سیم جهودان شکنجه کردند تا از دار فناء بدار بقاء^۴ رحلت کرد و از ابتدای دُر آدم^۵ تا بعهد مسیح علیه السلام پنجمزار و چهارصد و نود و نه^۶ سال بوده این زمان آغاز کنم در تواریخ^۷ پایان که خلقای مسیح اند و تواریخ قیصره مسمی و مفصل نویسم^۸ و نسب مفصل مسیح علیه السلام.

۱۰

ذکر تواریخ قیصره و پایان و بعضی احوال که در زمان ایشان رفته است

تاریخ اغ-طوس قیصر- اورا اکتفیانوس نیز گفته اند و پیش از ولادت مسیح علیه السلام چهل و دو سال پادشاهی کرده بود و او اول کسی است که اورا قیصر خواندند بغایت عاقل و کافی و شجاع بود با تمام پنجاه سال پادشاهی کرد.^{۱۰}

۱۵

تاریخ کریسطوس مسیح علیه السلام - عیسی را علیه السلام کریسطوس خواندند چون دعوت کرد جهودان او را در اول سال سی و پنجم بفرمان^{۱۱}

۱ - چ : را کد .

۶ - نج : سه .

۲ - نج : در آب ... چندانکه .

۷ - نج : کنیم در تاریخ .

۳ - نج شخصی کودک .

۸ - نج : بنویسم .

۴ - نج : صفی الله و ملوات الله الرحمن علیه

۹ - نج خواننده .

۱۰ - نج افزوده : والسلام . جدول اسامی و

والسلام .

۵ - نج : تاب دور عیسی عیله من الصلوات

صور پایان . تاریخ ؛ والسلام .

۱۱ - نج : سال سی و پنجم اورا بفرمان

اکبها ومن التسلیات اشمها

پونسیوس که در بیت المقدس نائب طباریوس^۱ بود شکنجه کردند و از دنیا^۲ رفت .

تاریخ طباریوس قیصر - طباریوس پسر زاده انسطوس بود و داماد او بعد از او قیصر شد و چون بیست سال از پادشاهی او گذشته بود مسیح علیه السلام شکنجه خورد و بعد از آن پنج سال پادشاهی کرد و اوردن نام شخصی را بشام فرستاد تا یوحنایه ر زکریا را بکشتن پونسیوس نام دیگری را بقدرس تا مسیح را شکنجه کرد .

تاریخ غایوس قیصر - چون طباریوس خود را بکشتن غایوس پرنیخت قیصری نشست، چهار سال^۳ و هشت ماه و ده روز^۴ بواسطه آنکه مردی بدسیرت بود، با خواهر و دختر^۵ زنا کرده او را بکشتند .

تاریخ فلوودیوس قیصر - بعد از آنکه غایوس کشته شد^۶ او را پیداشاهی نشانند و پانزده سال قیصری کرد . مرد فاسق و فاجر بود و بعد او^۷ سیمرغ را دیدند و جزائر برتانیه را اوفتیج کرد .

تاریخ بطروس حواری - مهتر حواریان بود و مسیح او را خلیفه خویش گردانید و بعد از آن هفت سال در انطاکیه پاپ بود بر کرسی خلافت ، بعد از آن برومیة کبری آمد و بیست و پنج سال و هفت ماه پاپی کرد و یکصورت آنجا کشیده تا دیگر پایان و قیصره را آن قیاس باشند و این بطروس در اوائل عهد ناردون قیصر بشکنجه هلاک شد .

- | | |
|------------------------------|--------------------------------|
| ۱ - پنج افزوده : قیصر . | ۵ - پنج : مرد . |
| ۲ - پنج افزوده : بدار عقبی . | ۶ - پنج : دختر خود . |
| ۳ - پنج چهل | ۷ - پنج : ... قیصر را بکشتند . |
| ۴ - پنج : دوازده روز . | ۸ - پنج : بعد فلوودیوس قیصر . |

تاریخ نارون قیصر - بعد از قلودیوس نارون بر تخت قیصری نشست
و مدت چهارده سال پادشاهی کرد و ترسایان را بکشت و جهودان بروی
یاغی شدند و آتش در رومیه زد و اهل آنجا او را بکشتند^۱.

تاریخ لنوس پاپ - از ولایت توسکانا بود و بعد از پطروس یازده ساز
و سه ماه و دوازده روز بر کرسی پاپی نشست و کرامات مینمود و مردم
میگفتند جادویی میکند. سر او بریدند.

تاریخ گلبه قیصر - بعد از نارون قیصر^۲ این گلبه را از جزیره
بر تانیه بر تخت قیصری نشاندند و مدت یکسال پادشاهی کرد.
تاریخ اسپسیانوس^۳ قیصر - که بعد از گلبه بر تخت نشست مدت ده سال،
و در عهد او جهودان بیت المقدس که در زمان نارون یاغی شده بودند ایل
شدند و او با اتفاق پسرش طیطوس بیت المقدس را قتل و غارت کردند و
بسیار مردم از گرسنگی بمردند و سی هزار برده بردند.

تاریخ کلیموس پاپ - اصل او از رومیه بود و فرمان پطروس
بیست و پنج قیس را ترتیب^۴ کرد و بعد از اینوس او را بر کرسی پاپی
نشاندند، یازده سال دیگ ماه و یازده روز پاپی کرد، با آخر بتهمت سحر او
را بکشتند.

تاریخ طیطوس قیصر - بعد از اسپسیانوس قیصر پسرش طیطوس
بقیصری نشست و مدت دو سال قیصری کرد و بغایت جوانمرد بود، تمامت
اموال بیت المقدس را بر رومیه آورد و ببخشید.

۱- اصل : بکشت . (متن تصحیح قیاسیت) . ۳ - نج : اسپسیانوس .

۲ - نج : بعد از آنکه نارون قیصر را اهل ۴ - نج : بزبان .

۵ - کذا : ظاهراً : ترتیب ، رومیه بکشتند .

تاریخ کلیمنس پاپ^۱ - اصل او از رومیه بود و بعد از کلیطوس
پاپی نشست مدت نه سال و دو ماه و دوازده روز پیش از جلوس او کرسی
خالی بود و در دین ترسائی کتاب بسیار ساخت و پادشاه او را از ولایت
بیرون کرد [و] بجزیره پونتس فرستاد و آنجا کشته شد.

تاریخ دو میطیانس قیصر - برادر طیطوس بود و بعد از او قیصری
کرد مدت پانزده سال قیصری کرد و بتخانه ستون^۲ در رومیه ساخت و از
هر ولایتی^۳ متی با آنجا آورد و چون ایشانرا دشمنی^۴ ظاهر شدی روی آن بت
بناظر بودی تا دفعه کردند.

تاریخ انکلیطوس پاپ^۵ - نه سال و دو ماه و دو روز بر کرسی پاپی
نشست و بوقت جلوس از مدت هفت سال از پادشاهی طومطیانس قیصر گذشته
بود و فرمود که کشیشان^۶ موی و ریش تراشند، او را به مهمت سحر بکشند.

تاریخ ناروه قیصر - بعد از دو میطیانس^۷ بر تخت قیصری نشست
مدت یکسال و چهار ماه قیصری کرد و بازاء آن^۸ بدیها که دو میطیانس
کرده بود در حق مردم نیکو بیها کرد.

تاریخ افرسطوس پاپ - اصل او از رومیه بود^۹ مدت ده سال و سه
ماه و یک روز بر کرسی پاپی نشست و او را نیز سبب دین بشکسته به بکشند
تاریخ طریانس قیصر - بعد از ناروه بقیصری نشست هشتده سال و شش
ماه قیصری کرد و باهل را بگرفت و تا هندستان بر رفت^{۱۰} و ترسایان بسیار را
بکشت.

۵ - نج : بعد از کلیمنس انکلیطوس.

۶ - نج : انکلیطوس ناروه.

۷ - اصل : بادای (متن تصحیح قیاسین)

۸ - نج : و بعد از انکلیطوس.

۹ - نج : بگرفت.

۱ - نج : قیصر.

۲ - نج : بیطون.

۳ - نج : ولایت.

۴ - نج : دشمن.

تاریخ اسکندر پاپ - اصل او از رومیه بود، بعد از افرسطوس پیاپی
نشست، مدت نه سال و پنج ماه و دویروز^۱، او را نیز بواسطه دین بشکنجه
بکشتند.

تاریخ ادریانوس قیصر - بیست و دو سال قیصر برد و بیت المقدس را
که خراب کرده بودند آبادان کرد و قدس را که اورشایم^۲ گفتند الیه^۳
نام نهاد و جهودان را از دخول آن^۴ منع کرد و گروه ترسایان را عزیز و
گرامی داشت^۵.

تاریخ سکستوس پاپ - اصل او از رومیه بود و بعد از الکسندر
ده سال و سه ماه و بیست و یکروز بر کرسی نشست، آخر او را هم^۶ بشکنجه
بکشتند^۷.

تاریخ طلسمفروس پاپ - اصل او از رومیه بود^۸ مدت یازده سال
و سه ماه و دوازده روز پیاپی نشست و هم^۹ بسبب دین او را بکشتند.

تاریخ انطونوس قیصر - او را انطونیانس نیز گفته اند و داماد ادریانوس
بود بیست و دو سال و سدها قیصری کرد ... و او از شهر پرغامون بوده و
پطلمیوس قلوودی صاحب علم ریاضی در عهد او بوده است و در اسکندریه
بودی و بجزیره صقلیه وفات یافته است.

تاریخ اگینوس پاپ - اصلش از یونان بوده از انیمه که مدرسه

۱ - نه افزود: و در آخر.

۲ - نه: اورناید.

۳ - نه: در آنجا.

۴ - نه: عزیز میداشت.

۵ - نه: عاقبت الامر ... نیز.

۶ - نه: هلاک کردند.

۷ - نه: افزود: و بعد از سکستوس پیاپی

نشست.

۸ - کلمه از نه است.

ارسطون بوده بعد از وی^۱ بر کرسی پایی نشست مدت چهار سال و شش ماه و پنج روز و پیش از جلوس او ده روز کرسی خالی بود، او را نیز بشکنجه هلاک کردند.

تاریخ پیوس پاپ - اصلش از هرقلیه بود، بعد از آنکه ده روز کرسی خالی بود^۲ پیایی نشست، نه سال و چهار ماه و بیست و یک روز و در عهد او فرشته ای ظاهر شد بر مردی ارمیه^۳ نام و گفت، چون ماه آذر چهاردهم رسد اول یکشنبه عید بزرگ کنند و فرمود که موی گردن بتراشند.

تاریخ انیسه توس پاپ - بعد از آنکه کرسی یازده روز خالی بود انیسه توس بنشست و هفت سال و سه ماه و سه روز پیایی نشست، او را نیز بشکنجه کشتند.

تاریخ مرقوس قیصر و ارلیوس ایشان هر دو برادران بودند مدت نه سال بجای پدر بقیصری نشسته اند و در اول عهد ایشان ملک ارمن بیامد و ملک یونان خراب کرد و مرقوس ایشان را بگریزانید تا صقلیه و ولایت ترک رفت و ایشان را قهر کرد.

تاریخ ستر پاپ - از کنپانیه بود بعد از آنکه یازده روز کرسی خالی بود آنگاه سوتر نشست و هفت سال و سه ماه و سه روز^۴ پاپ بود او را هم بشکنجه بکشتند.

تاریخ قوموطوس قیصر - بعد از مرقوس و برادرش^۵ بقیصری نشست. مدت سمیزده سال و با اهل الاینه جنگ کرد و ایشان را طبع گردانید

۱ - نج : طاسفروس .

۲ - نج : آنگاه پیوس .

۳ - نج : رامت ، ارمیه ، ارمیت .

۴ - نج : بشرکت همدیگر .

۵ - نج : بیست و یکروز .

۶ - نج : و هم بشکنجه هلاک شد .

۷ - نج : بعد از مرقوس و برادر آن اورلیوس ...

و در جنگ صقالبه کشته شد .

تاریخ فکتور پاپ - اصل او از افریقیمه بود بعد از شانزده روز که کرسی خالی بود او بر نشست و مدت پانزده سال و سه ماه^۱ پاپی کرد و فرمود تا مردم را بآب روح القدس ترسان کنند و بشکنجه کشته شد .

- ۵ تاریخ ایلئوس قیصر و سوریانس - ایلئوس مدت بیست و چهار سال قیصری کرد و از آنجمله نوزده سال و چهار ماه بشرکت سوریانس^۲ واصل سوریانس از مغرب بود ترسایان بسیار بکشت و در زیره انگلیه نمازند .

- تاریخ زیفرنوس پاپ - اصل او از رومیه بود بعد از آنکه^۳ دوازده روز کرسی خالی بود^۴ او بر نشست^۵ و مدت نه سال و شش ماه و ده روز پاپ بود و او را نیز بشکنجه هلاک کردند .

تاریخ انطیناس قیصر - پسر سوریانس بود، بعد از پدر بقیصری نشست^۶ مدت هفت سال و شش ماه پادشاهی کرد و فاسق وزانی بود وزن پدر را بخواست .

- ۱۵ تاریخ کلسطوس پاپ - او نیز از رومیه بود، بعد از آنکه شش روز کرسی خالی بود او را پاپی نشانند و مدت پنج سال و دو ماه و ده روز پاپ بود، در عهد آن پاپ برق بیاید و در درخت بزرگ در رومیه بسوخت .
- تاریخ مکریتس^۸ قیصر^۷ - مدت یک سال و دو ماه پادشاهی کرد و بعد

۱ - نج : ده .
 ۲ - نج : ده ماه و ده روز .
 ۳ - نج : ایشان .
 ۴ - نج : کتور .
 ۵ - نج : ماند .
 ۶ - نج : آنگاه ریفرنوس نشست .
 ۷ - نج : پدر او را بقیصری نشانند .
 ۸ - نج : مرطنوس .
 ۹ - نج : بعد از طونیانس برطنوس را بر تخت قیصری نشانند .

از آن با پسر بهم بدست دشمنان کشته شدند .

تاریخ اربانوس پاپ - از رومیه بود و مدت چهارده سال و یازده ماه^۱ بر کرسی پاپی نشست و در عهد او دو جوان بیامدند تا دین مسیح بیاموزند فرشته ای بیامد و گفت نجات شما در توحید است يك دین و يك معبودیه .
تاریخ انطونیانس قیصر - او را^۲ بر تخت قیصری نشانند و مدت چهارده سال پادشاهی کرد و مرد زانی و فاسق بود .

تاریخ السندر سورس فیصر - در آخر عهد انطونیانس این السندر سورس قیصر شد و مدت سیزده سال پادشاه بود و لشکر بفارس کشید و جنگ کرد و مسخر ساخت .

تاریخ پونطانیانوس پاپ - از رومیه بود بعد از آن او را^۳ بر کرسی نشانند و مدت پنج سال و دو ماه پاپی کرد و در جزیره سردانیه بشکندجه کشته شد و کربا کوس را بجای او نشانند يك سال و سه ماه و آرزو کرد که بجایی بود که پاگان را^۴ کشتند بکولنیه رفت که شهر است از المانیه و جهت آنکه در رومیه نمرد او را از پادان شمر دند .

تاریخ مسمیانس قیصر - بعد از السندر سورس او^۵ بقیصری نشست مدت ده سال^۶ ولایت المانیه مسخر گردانید .

تاریخ انطروس پاپ - بعد از کربا کوس که بجای پونسیانوس پاپ نشسته این انطروس پاپی نشست مدت ده سال^۷ و یکماه و نوزده^۸ روز بشکندجه هلاک شد .

۱ - پنج افزود : و سیزده روز . ۲ - پنج : بعد از هر جلوس انطونیانس را .

۳ - پنج : بعد از اربانوس . ۴ - پنج : ساگان را . ۵ - پنج : این مسمیانس .

۶ - پنج : سیزده سال و دو . ۷ - پنج : سه . ۸ - پنج : یازده .

تاریخ گردیانوس قیصر - شش سال قیصری کرد^۱ و فارس بستد و رومیه آمد فیلیپوس اورا و پسرش را بحیلت بکشت .

تاریخ فیلیانوس پاپ . از رومیه بود و مدت شانزده سال و پانزده ماه و یازده روز بر کرسی پایی نشست و او را بشکنجه هلاک کردند
 تاریخ فیلیپوس قیصر - مدت هفت سال قیصری کرد و اول قیصری که
 ترساشد او بود و خود و پسر او در رومیه بسبب دین کشته شدند و تمامت اموال به کلیسیا^۲ دادند .

تاریخ کورنلیوس پاپ - از رومیه بود سه سال و دو ماه و ده روز پایی کرد او را نیز بشکنجه بکشتند .

تاریخ دو قیوس قیصر - یک سال قیصر بود و ترسایان را بسیار بکشت
 تاریخ لسیوس پاپ - از رومیه کبری بود، سه سال و سه ماه و سه روز پاپ بود و بشکنجه کشته شد .

تاریخ غالوس قیصر - مدت دو سال و سه ماه قیصری کرد .

تاریخ اولارینوس قیصر - دو ماه قیصری کرد و در ماه سیم کشته شد

تاریخ ولریانوس قیصر و پسرش گلیانوس - همشاکت مدت پانزده سال قیصری کردند و از لشکر فارس شکسته شدند و پادشاه فرس پای برگردن او می نهاد و بر اسب می نشست .

تاریخ ایسطفنوس پاپ - اصلش از رومیه بود و چهار سال و دو ماه

و ده^۳ روز پایی نشست و بسیاری از کافران ترساکرد و دعا کرد تا بتخانه عظیم^۴ بیفتاد و بدان سبب کفار بسیار بدین در آمدند و بعاقبت

۱- پنج افزوده و برفت . ۲- پنج : بکلیسیا ۳- پنج : افزوده . ۴- پنج : کرده بود و دعا کرد که .

کشته شد .

تاریخ سکستوس پاپ - اصلش از رومیه بود دو سال و یازده ماه و شش روز بر کرسی پاپی نشست و قیصر بزرگ را بدین ترسایی در آورد و خزانه او بر فقراء نفقه کرد، عاقبت سرش بریدند .

تاریخ دیونسیوس پاپ - ^۱ بعد از آنکه یکماه کرسی خالی بود او را ^۲ پاپی نشانند مدت دو سال و سه ماه پاپی کرد و بشکندجه هلاک گردید .
تاریخ فلکس پاپ - اصلش از رومیه بود دو سال و دو ماه پاپی کرد و بمرد .

تاریخ قلودیوس قیصر - یکسال و نه ماه قیصری کرد و ولایت غوثیه را مسخر گردانید . ۱۰

تاریخ او تخیانوس ^۳ پاپ - اصلش از توسکانا بود . هشت سال و دو ماه پاپی نشست ^۴ و کارهای نیکو کرد و بشکندجه کشته شد .

تاریخ اورلینوس قیصر - مدت پنج سال و شش ماه قیصر بود و رومیه را بارو ساخت و مردم را فرمود تا گوشت خوک خورند .

تاریخ ططوس قیصر - مدت هفت ماه قیصری کرد و بغایت جواد و جوانمرد بود و در فارس ^۵ بمرد . ۱۵

تاریخ غایوس پاپ - از دالمیته بود یازده سال و چهار ماه و چهار روز پاپی کرد و بشکندجه هلاک شد

تاریخ فروبوس قیصر - مدت سه سال و چهار ماه و چهار روز قیصر بود

۱ - نج : بعد از سکستوس پاپ .

۲ - نج : آنگاه سرش ۳ - نج : فالکس ۴ - نج : پاپی کرد ۵ - نج : ودرین .

و نماید .

تاریخ کروس قیصر - مدت دو سال بشرکت کریئوس و نمیانوس
 قیصری کرد و تاختن بغارس برد و در بین النهرین ببری کشته شد .
 تاریخ فلربانس قیصر - یکسال و بیست روز قیصری کرد و بشهر
 طرسوس کشته شد .

۵

تاریخ دیوقلیطانس قیصر - او و پسرش مکسمیانوس مدت بیست سال
 بمشارکت قیصری کردند و از انواع ظلم و تعدی هیچ باقی نگذاشتند و بیست
 و دو هزار مرد ترسا را بکشتند و عاقبت بزهر کشته شد^۱ .

۱۰

تاریخ مردسلینوس پاپ - اصلش از رومیه کبری بود، مدت بیست
 و هفت سال و دو ماه و بیست و یک روز بر کرسی پاپی نشست و بآرام قیصر بتان
 را کندر سوخت و بعد از آن توبه کرد و کفارت و وصیت کرد که او را
 در گورنهند و قیصر سرش ببرید .

۱۵

تاریخ مردسلوس پاپ - از رومیه بود و مدت شش سال و بیست و دو
 روز پاپی نشست و قیصر آن وقت او را بشبانی فرمود و مدتی گله چرایید
 تا بمرد .

تاریخ .. و گارویس^۲ قیصر - دو سال قیصری کرد و اسپانیه^۳ بگرفت
 و دخترری بر تانیه را بخواست و از وقسطنطینوس آورد .

تاریخ او اسبیوس پاپ - اصلش از یونان بود و بعد از مردسلوس مدت
 یکماه کرسی خالی بود^۴ بعد از آن او را^۵ پاپی نشانند، مدت دو سال و

۱ - تیج : اورازهر داده تا بمرد ۲ - تیج : بآرام قیصر شان را ۳ - تیج : ولو اوس
 و لروس ، کراوس ۴ - تیج : اتالیه ۵ - تیج : ماند ۶ - تیج : اورمیهوس

دو ماه و بیست روز پایی کرد.

تاریخ قسطنطنوس قیصر - مدت سی سال قیصری کرد و دو ماه و یازده روز برص داشت سلفستروس پاپ او را علاج کرد و او ز ساشد و بخاندر^۱ کلیسیا بساخت و خود بقسطنطنیه رفت و مملکت افریجدر^۲ پاو^۳ گذاشت

تاریخ ملک یانوس پاپ - اصلش از مغرب بود و بعد از او اسمیوس بیست روز کرسی خالی ماند آنکه او را بنشانند، مدت سه سال و هشت ماه و هشت روز پایی کرد و عیسویان را بفرمود تا یکشنبه^۴ و پنجشنبه^۵ روزه نگیرند، جهت آنکه بت پرستان آن دو روز را روزه دارند

۵

تاریخ سلفستروس^۶ پاپ - اصلش از رومیه بود بیست و سه سال و دو ماه و یازده روز پایی کرد و طبیب حاذق بود قسطنطنوس را از برص خلاص داد و میان ترسایان آن جمعیت ساخت تا در شهر تکیه مشنصد و هیژده مرحیسا جمع شدند و با جهودان مناظره کردند و ایشان را ملزم کردند و گاو مرده را اب و ابن و روح القدس در گوش گفت گاو برخاست و بدان سبب قسطنطنوس ترساشد.

۱۰

تاریخ مرقوس پاپ - اصلش از رومیه بود و بعد از آنکه^۷ یکماه کرسی خالی بود^۸ او را بنشانند و مدت دوازده سال و بیست روز پایی کرد.

۱۵

تاریخ قسطنوس قیصر - پسر قسطنطنوس بود^۹ مدت یازده سال بر تخت قیصری کرد.

۱- چرخانه، ۲- نج : با سلفستروس، ۳- نج : تا یکشنبه روزه گیرند، ۴- نج : فرسود، ۵- نج : سلفستروس، ۶- نج : سلفستروس، ۷- نج : ماند، ۸- نج : او را نیز، ۹- قسطنطنوس گفتندی.

تاریخ جلیوس پاپ - اصلش از رومیه بود و یازده سال و دو ماه و هشت روز پاپی کرد و از دست قسطنطنوس زخمیها کشید و چون او نماند، یاسود. تاریخ بولیانس قیصر - برادرزاده قسطنطنوس قیصر بود دو سال و هشت ماه قیصری کرد و از ترسایی بیت پرستی رفت و جهودان را فرمود تا بیت المقدس را عمارت کردند^۱ زلزله شد و باز خراب گشت و بر کنار دجله بالشکر فرس مصاف داد و او را در خیمه بکشتند.

تاریخ لبریوس پاپ - از رومیه بود و بعد از جلیوس یازده روز کرسی خالی بود آنگاه او را بنشانند ده سال و هفت ماه^۲ پاپی کرد و قیصر او را بر اغوا امیداشت و او با عزمی نمود، او را معزول کردند و پاپ دیگر بنشانند. تاریخ یویانوس قیصر - مدت هفت سال قیصری کرد مردی بغایت نیکو سیرت بود و مردم از وجود او در آسایش بودند.

تاریخ فالکس پاپ - از رومیه بود، دو سال و هفت ماه و هفت روز پاپی کرد و چون مکر این فیصر با خلق میگفت قیصر فرمود تا سراو بریندند. تاریخ والنطیانس قیصر و برادرش والنس قیصری کردند مدت دوازده سال. در دین عیسی^۳ مترازل قدم بود و عیسویان را زحمت بسیار داد و با فرنگیان جنگ کرد و سی هزار از ایشان بکشت.

تاریخ لبریوس پاپ - در میانه عهد فالکس او را چندگاه پاپی نشانده بودند و فالکس را معزول کرده و باز فالکس را نشانند و چون نماند دیگر بار لبریوس را نشانند مدت شش سال تمام.

تاریخ طاودوسوس^۴ قیصر - مدت شش سال و هشت ماه و نه روز قیصری کرد.

۱- پنج : کند. ۲- پنج : روز. ۳- پنج : عیسوی. ۴- پنج : ناودولوس، ماودولوس.

تاریخ والنس قیصر سمدت یازده سال قیصری کرد و در عهد او میان
 جهودان و گبران جنگ افتاد و مجادله بسیار کردند و از مردی پاك اندرون
 بود و مردم بسیار را ترسا کرد انبارها و مالها در دین عیسی نثار کرد .
 تاریخ طمسوس پاپ - اصل او از اسپانیا بود مدت ^۱ هژده سال و دو
 ماه او را پاپی نشانند و صد و پنجاه مرچیس را جمع گردان لب ریوس را
 دعایی بد کردند ^۲ تا هازك شد .

تاریخ سربعیوس ^۳ پاپ - از رومیه بود و مدت پانزده سال و دو ماه
 و یازده ^۴ روز بر کرسی پاپی بود و در استنبول با سیصد ^۵ و پنجاه مرد ترسا
 پارسا جمعیت ساخت و در عهد او در اماوس پسری در وجود آمد ^۶ که از
 بالای ناف دوتن داشت و هر تنرا دودست بایکدیگر مختلف ^۷ . ۱۰

تاریخ ارقادیوس قیصر - مدت سیزده سال قیصری کرد و در عهد او
 شخصی از جانب شمال بیرون آمد و شهر مشهور رومیه بستند و آتش بسوخت
 و بقیتی که ^۸ بماند از برق خراب شد .

تاریخ انسطاسیوس پاپ - اصل او از رومیه بود و مدت دو سال و بیست
 و شش روز پاپی کرد و چون وفات یافت مدت یکماه کرسی خالی ماند . ۱۵
 تاریخ اینوستئوس پاپ - اصل او از شهر البان بود و مدت پانزده سال و
 دو ماه و بیست روز پاپی کرد و ارقادیوس قیصر را نفرین کرد .

تاریخ اونوریوس قیصر - مدت پانزده سال بر تخت قیصری بود و بر
 عموم مردم مشفق و مهربان امراء او را بر قتل تهییج کردند، جواب داد که اگر
 مراد است رسد ^۹ مرده را زنده کنم . ۲۰

۱ - کلمه از پنج است . ۲ - پنج کرد و ... نفرین ... ۳ - پنج : شهر بجهوش :
 ۴ - پنج : پانزده . ۵ - پنج : ششصد . ۶ - پنج : و در عهد او ادمانوس در وجود آمد .
 ۷ - پنج : ... داشت و بیشتر احوال با همدیگر مختلف (متفق) . ۸ - پنج : و آنچه .
 ۹ - پنج : دادی .

تاریخ تراودوسیوس قیصر - مدت بیست و هفت سال بر تخت قیصری بود در عهد او اصحاب کهنه بیرون آمدند هفت کس و از جزیره کریمه ابلیس بر صورت موسی پیدا شد و خلق را بتقدس وعده داد، قیصر او را الزام کرد تا بر آب بگذرد سراپا^۲ غرق شد.

- ۵ تاریخ زوسموس پاپ - اصلش از روم بود مدت هشت سال و دو ماه بر کرسی پاپی نشست و فرمود که غلام قسیمس نشود^۳ و بعد از آن کرسی یازده روز خالی بود.

تاریخ بنفاسیوس پاپ - اصلش از رومیه بود مدت سه سال و هشت ماه و سه روز پاپ بود.

- ۱۰ تاریخ سلسطینوس پاپ - اصل او از رومیه کبری بود هشت سال و یک ماه و نه روز پاپی نشست و شخصی را به جزیره ابرنیه^۴ فرستاد تا مردم آنجا را ترساکرد و در شهر افزوس جمعیت ساخت و با خصمان دین جدل کرد.

تاریخ مرقیاناوس قیصر و فلنطینوس - ایشان بمشارکت یکدیگر هفت سال قیصری کردند.

- ۱۵ تاریخ سکسطوس پاپ - اصل از رومیه بود و مدت هشت سال و پنجده روز پاپی کرد. در رومیه کلیسیاها ساخت و عمارت خرابیها^۱ کرد.

تاریخ لاونطینوس قیصر - مدت شش سال قیصری کرد.

- تاریخ لیوپاپ - اصلش از توسکانا بیست و یک سال و دو ماه پاپی کرد در عهد او چهارم جمعیت شد سیصد و پنجاه مرتبه سا بر ابرنسطور نشستند و بحث کردند درین مسئله که عیسی مر کب از دو چیز است از خدایی و آدمی یعنی روح و جسم.

۱ - نهج : که . ۲ - نهج : توانست . ۳ - نهج : دو سال و هشت .
 ۴ - نهج : شود . ۵ - نهج : بر لال ، بر لامد . ۶ - نهج : حوالی بسیار .

تاریخ زنون قیصر - مدت هژده سال قیصر بود در عهد او سکسرتیه
برفتند و جزیره بر تائیه بگرفتند و ساکنان آنجا را بکلی بکشتند^۱ و در
آنجا مقام ساختند^۲.

تاریخ ابیلاریوس پاپ - از جزیره سردانیه بود مدت شش سال و پنج ماه
وده روز بر کرسی پاپی نشست^۳.

تاریخ سیمپلیجوس پاپ - اصلش از شهر تیبور بود و پانزده سال و شش
ماه و هفت روز بر کرسی پاپی نشست و در عهد او^۴ شخصی از جزیره انگلیه
برخواست دعوی پیغمبری کرد و کشته شد.

تاریخ اناسطاسیوس قیصر - مدت بیست و هفت سال پادشاهی کرد و در
کار پادشاهی رای و تدبیر نداشت^۵ و در آن عاجز بود از چیزی بدوست
و دشمن نرسید.

تاریخ فلکس پاپ - اصلش از رومیه و مدت هشت سال و یازده ماه و یازده
روز پاپی کرد.

تاریخ گلاسیوس پاپ - اصلش از مغرب بود. هشت سال و هژده روز بر
کرسی پاپی نشست و در دوراویکی از حواریان ظاهر شده انجیلی بخط متی از
جمله حواریان آورد^۶.

تاریخ اناسطاسیوس پاپ - اصل او از رومیه کبری بود مدت یازده
سال و یازده ماه و بیست و چهار روز پاپی کرد^۷.

تاریخ بوسطنوس قیصر - مدت نه سال قیصر بود در عهد او در انطاکیه
زلزله عظیم واقع شد^۸ و اکثر عمارات شهر خراب گشت^۹ و مردم هلاک شدند.

۱ - نج : وایشان . ۲ - نج : افزوده : و زنان آنجا بکشت .

۳ - نج : متمکن یافت .

۴ - نج : قیصری .

۵ - نج : داشت .

۶ - و در آن امور عاجز و متحیر بود .

۷ - نج : شری بدشمن .

۸ - نج : ... بخط متی از حواریان بدید آمد

۹ - نج : و در گذشت و السلام .

۱۰ - نج : ظاهر گشت . ۱۱ - نج : کشتند .

تاریخ سمکس پاپ - اصل او از جزیرهٔ سردانیه بود مدت پانزده سال و هفت ماه و بیست و سه روز بر کرسی پاپی نشست و در عهد او رید افرنس پادشاه بزرگ افرنج ترساشد.

تاریخ یوسطنیا نوس قیصر - مدت بیست و هفت سال بر تخت قیصری متمکن بود و در عهد او قحط و غلای عظیم افتاد چنانکه مردم یکدیگر را بخوردند و او مردی علم دوست بود و در سیاست پادشاهی کتاب بسیار ساخت. تاریخ اورمیزده پاپ - اصلش از کنپانیه بوده نه سال و هزده روز بر کرسی پاپی نشست و وفات یافت.

تاریخ یوحنس پاپ - اصلش از رومیة کبری بود و مدت دو سال و چهار ماه بر کرسی پاپی نشست و در عهد او مردم ولایت فرنگ جمله ترساشدند و ملت عیسوی رونق تمام یافت.

تاریخ فلکس پاپ - اصلش از شهر شبنه بود و مدت چهار سال و دو ماه و سیزده روز بر کرسی پاپی نشست.

تاریخ بنفاسیوس پاپ - اصلش از رومیة کبری بود مدت دو سال و دو ماه و بیست و شش روز پاپی کرد.

تاریخ یوسطنوس قیصر - مدت پانزده سال قیصری کرد و در عهد او از ولایت الامانیه لشکر بزرگ بولایت انبردیة رفت و اهل آنجا را بکشتند و در آنجا مقام ساختند.

تاریخ یوحنس پاپ - اصلش از رومیه بود مدت دو سال و چهار ماه و هفت روز بر کرسی پاپی نشست.

۲ - نج : چهارده :

۱ - نج : شد .

۴ - نج : و چهارده ماه و هفت .

۳ - نج : بر کرسی .

۶ - نج : مقیم .

۵ - نج : بر کرسی پاپی نشست .

تاریخ اغاپطوس پاپ - اصلش از رومیه بود، یازده سال و بیست و هشت^۱ روز پایی کرد.

تاریخ سلو، یوس پاپ - اصلش از کنپانیه بود یک سال و پنج ماه و یازده روز پایی نشست و قیصر وقت او را بتعذیب نیکه نه عهلاک کرد.

تاریخ یوسطینوس قیصر - یازده سال قیصری کرد و با قباد کسری ملک فرس بکنار فرات نزدیک شهر رها عم صاف داد و باز با نطقیه رفت و فرس رها را^۲ بستند^۳ و برده بسیار بردند آنگه بقیصری فرنگان سرانجام شد و یونانیان افتاد.

تاریخ فکلیوس پاپ - اصلش از رومیه بود هفده سال و هفت ماه و شش روز پایی کرد. در عهد او پنجم جمعیت ترسایان بود باستنبول و مجادله با مخالفان هلت کرد.

تاریخ طبار یوس قیصر - هفت سال بر تخت قیصری بود و بیشتر اموال خود بصدقه داد و گفت آنچه دادم مراست و آنچه بماند دشمن را. روزی در زمین تخته^۴ مردم دید نقش خاج^۵ بر آن، برداشت، زیرا از آن یکی دیگر^۶ بازیافت برداشت، سیوم را یافت^۷ بگوید گنج و افر یافت، تمام بر مردم ایشار کرد.

تاریخ بیلاگیوس پاپ - از رومیه بود و مدت چهار سال و دو ماه و بیست روز پایی کرد.

تاریخ یوحنس پاپ اصلش از رومیه بود یازده سال و یازده ماه و بیست و چهار روز بر کرسی پایی نشست.

۱ - نهج : هفت . ۲ - نهج : روحه را . رومیه را .

۳ - اصل : بستند (متن تصحیح قیاسیست) ۴ - نهج : و بیشتر اموال صدقه داد .

۵ - نهج : در زمین خانه خود . ۶ - نهج : حقه ، تخته .

۷ - اصل : نقشی خاج . (متن تصحیح قیاسیست) ۸ - نهج : دیگری .

۹ - نهج : برداشت سیوم را یافت ، برداشت سوراخی یافت ، سوراخی دید فرمود تا بگویدند .

تاریخ مورقیوس قیصر - هفت سال قیصر بود و در عهد او خرقه گریس طوس یافتندی و مورقی ندایی شنید که کشته خواهد شد ترسید و توبه کرد و با انوشیروان عادل بر دره هاء مصاف داد و در سال ششم از پادشاهی او خسرو پرویز از بهرام چوبین^۱ گریخته بدوالنجا کرد و او اعداد نمود^۲ تا بهرام راهزیمت داد^۳ و عاقبت کشته شد.

۵

تاریخ بنطک طوس پاپ - اصلش از رومیه بود سه سال و یک ماه و نوزده روز پایی کرد و در عهد او قحط و غلا و قتنه در فرنگستان ظاهر شد.

تاریخ پیلا کیوس پاپ - اصلش از رومیه بود ده سال و سه ماه و ده روز پایی نشست و در عهد او باران بی اندازه بارید و در دخانه رومیه برابر باروی شهر برآمد و چندان مار و حشرات و حیوانات گندیده بیاورد که از گند آن خلق بسیار بمردند و او نیز بمرد.

۱۰

تاریخ فوق قیصر - مدت نه سال بر تخت قیصری بود بتخانه بزرگ پاپ بخشید تا او آنرا کلیسیا کرد.

تاریخ گریگوریوس پاپ - از رومیه کبری بود سیزده سال و سه ماه و دو روز پایی نشست و علم دوست بود کتب بسیار ساخت و معجزه ها نمود و اهل جزیره انگلیه را از ساگرد و در عهد او در فرنگستان مرگ مفاجات^۴ حادث شد و خاصه در رومیه خلقی بسیار بمردند.

۱۵

تاریخ سینه یانوس پاپ - اصلش از توسکانا بود مدت یک سال و پنج ماه و نه روز پایی کرد.

۲۰

تاریخ هرقلیوس قیصر - مدت سی و یک سال بر تخت قیصری بود

۱- نه افزوده : مدد خواست و .

۲- نه : اورا مدد داد ، معاونت نمود .

۳- نه : وسه .

۴- نه : آودا .

۵- نه : ساخت و .

۶- نه : ده .

۷- نه : ده .

۸- نه : فرنگ مرگ فجاء .

و در نهم^۱ سال پادشاهی او سال بر نهمصد و سی پنج اسکندری بیت المقدس را بگشود بعد از آن به^۲ سال اسکندریه بگرفت و مصر و عزم سوریه کرد و در دهم سال از قبضری او لشکر اسلام از زمین یثرب بفرمان خاتم النبیین محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم در حرکت آمدند و هرقلیوس در علم نجوم مهارتی داشت و هنر، از مقتضی سیر سیارات خبر یافت^۳ که بر دست شخصی سنت کرده ملک او افتد و بر دست لشکرش^۴ خاندان او خراب شود پیش ریدافرنس نوشت که جهودان را که اهل سنت اند تمامت^۵ بکش یا ترسا کن او ایشان را ترسا کرد و در بیست و هفتم سال از پادشاهی او مسلمانان انطاکیه را بگرفتند و بیت المقدس را خراب کردند و در ایام شاپر^۶ خاج مسیح را پادشاهان فرس^۷ بغارت بردند و هرقلیوس با ذریه یحییان رفت و آن را از یزدجرد شهریار باز بستند و با قدس آورد و تهی پای در آنجا رفت و دروازه ها گشاده شد^۸ و بعد از آن لشکر اسلام بر مملکت ملوک فرس استیلا یافتند و هرقلیوس در گذشت.

تاریخ بنفاسیوس پاپ - اصلش از رومیه^۹ کبری بود مدت نه ماه و بیست روز پاپی نشست.

تاریخ طاوطادس پاپ - سه سال و بیست روز پاپی کرد و چنان پازسا و صالح بود که بر خداوند برص بوسداد و او از آن علت خلاص یافت.

تاریخ بنفاسیوس پاپ - از کمپانیه بود پنج سال و سیزده روز پاپی کرد و پاپی نشست.

تاریخ اونیوریوس پاپ - اصلش از کنپانیه بود و دوازده سال و یازده ماه و هزده روز بر کرسی^{۱۰} نشست و در عهد او شخصی فارسی سحر^{۱۱} میکرد

۱ - نج : پنجم
 ۲ - نج : نه
 ۳ - نج : و در مقتضی سیر کواکب چنان یافت . ۴ - نج : شخص
 ۵ - نج : همه را . ۶ - نج : سابق . ۷ - نج : پادشاهی مصر .
 ۸ - نج : دروازه گشادند ؛ دروازه گشاده شدند . ۹ - نج : پنجاه .
 ۱۰ - نج : کرسی پاپی . ۱۱ - اصل : سحره . (متن تصحیح قیامیت) .

آخر ترساشدو بیت المقدس رفت و مسلمانان او را بکشتند .

تاریخ سفر بنیوس پاپ - از رومیه بود یکسال و چهار ماه و بیست و هشت روز پایی کرد .

تاریخ یوحنا پاپ - از دلمانیه بود و یکسال و نه ماه و بیست و هشت روز بیایی نشست و اسیر بسیار از مسلمانان بخیرید و آزاد کرد .

۵

تاریخ قسطنطینوس قیصر - مدت سی و یکسال و بیست روز قیصر بود و خیرات و مبرات بسیار کرد . و عهد او عمر خطاب شام رسید و به بیت المقدس و آمد و مسجدی بنا کرد .

تاریخ تیو طوروس پاپ - اصلش از رومیه بود و سه سال و پنج ماه و هشت روز پایی کرد .

تاریخ مرطینوس پاپ - اصلش از تودرتینه بود . سه سال و دو ماه و بیست و هفت روز پایی کرد .

تاریخ او جینیوس پاپ - اصلش از رومیه بود دو سال و نه ماه و بیست و دو روز پایی کرد .

۱۵

تاریخ فطالیا نوس پاپ - اصلش از کنپانیه بود . چهارده سال و شش ماه پایی کرد .

تاریخ ادیو طاطوس پاپ - اصلش از رومیه بود . مدت چهار سال و دو ماه و یازده روز پایی کرد .

تاریخ دومنوس پاپ - از رومیه بود . چهار سال پنج ماه و شش روز پایی کرد .

۲۰

تاریخ اگطون پاپ - اصل او از جزیره سقیلیه بود دو سال و شش ماه و سه روز پایی کرد .

تاریخ لیوپاپ - از جزیره صقیلیه بود، ده ماه و هفده روز پابی کرد.
 تاریخ بنطکطوس پاپ - از رومیه بود، یازده ماه و نه روز پابی کرد.
 تاریخ یوسطنوس قیصر - ده سال قیصری کرد، عالم دوست بود و در سیاست
 کتب ساخت و با مسلمانان بمواضع مال و قبول جزیه صلح کرد و لیونام
 بروی بیرون آمد و او را از قیصری معزول کرد و او را بینی بریده بجزیره
 فرستاد و محبوس گردانید و خود قیصر شد.

تاریخ سرگیوس پاپ - اصل او از شهر انطاکیه بود، مدت چهارده
 سال و هشت ماه و بیست و سه روز پابی کرد.

تاریخ لیو قیصر - سه سال سال قیصری کرد، بعد از آن طباریوس بیرون
 آمد و بینی او بقصاص بینی یوسطنوس قیصر برید و او را از تخت بزیر
 آورده خود بنشست.

تاریخ یوحنس پاپ - اصل او از روم بود مدت سه سال و دو ماه
 و سیزده روز پابی کرد.

تاریخ طباریوس قیصر - هفت سال قیصر بود و در عهد او یوسطنوس
 در جزیره ای محبوس بود با اهل جزیره زبان یکی کرد که باز پادشاه شود،
 ایشان قصد او کردند، بگریخت و پیش ترکان رفت و خواهر امیر^۱ ترک به خواست
 و او را بمدد خود آورد^۲ و ملک بازستد.

تاریخ یوحنس پاپ - اصل او از روم بود و دو سال و هفت ماه و هفده
 روز پابی کرد.

تاریخ سیمنیوس پاپ - اصلش از رومیه بود، بیست روز پابی کرد.
 تاریخ یوسطنوس قیصر - شش سال دیگر این نوبت قیصری کرد و
 اهل آن جزیره را که قصد او کرده بودند^۳ بکشت و کودکان را اسیر برد.

۱ - نهج : امیری . ۲ - نهج : بمدد او ؟ و مدد آورد .

۳ - نهج افزوده : بیشتر .

و ایشان جمعیتی ساختند و فلیپوس نام را بر خود حاکم کردند و یوسطینوس را بگرفتند و بکشتند .

تاریخ قسطنطینوس پاپ - اصلش از شام بود ، هفت سال و سیزده روز پایی کرد .

۵ تاریخ فلیپوس قیصر - مدت يك سال و شش ماه قیصری کرد .

تاریخ گریگوریوس پاپ - اصل او نیز از شام بود و شانزده سال و هشت ماه و بیست روز پایی کرد و اهل ولایت الانبیه را بیکبار ترسا گردانید .

۱۰ تاریخ انسطاسیوس قیصر - فلیپوس را گرفت و چشمهای او را بر کند و خود بجای او نشست و سه سال قیصری کرد و چون بغایت ظالم بود امراء و سپاه بترسیدند و روی پادشاه دیگر برگزیدند .

تاریخ تیو طوسیوس قیصر - انسطاسیوس را بگرفت و کشتیش کرد و خود بجای او نشست و سه سال قیصری کرد ، مردی کریم و حلیم و متواضع بود .

۱۵ تاریخ لیو قیصر و پسرش قسطنطینوس - بهم مدت بیست و پنج سال بشرکت قیصری کردند و در آن عهد مسلمانان استنبول را محاصره کردند و قتل و غارت بقتلیم رسانیدند و از مغرب نیز لشکر آمد و رید افراس با ایشان جنگها کرد و مدت ده سال فتنه بود .

تاریخ گریگوریوس پاپ - اصل او از رومیه بود و ده سال و هشت ماه و بیست و چهار روز پایی کرد .

۲۰ تاریخ قسطنطینوس قیصر - بعد از پدر مدت بیست و پنج سال با استقلال قیصری کرد و پسرانش لیو و ... بشرکت سلطان دافرس شدند و با مسلمانان جنگها کردند و خانهای بسیار کشته شدند^۱ .

۱ - نج : شريك . ۲ - نج : و پدر و پسران با مسلمان مغرب جنگها کردند .

تاریخ زکریاس پاپ - اصل او از روم بود و ده سال و سه ماه و یازده روز پاپی کرد.

تاریخ اسطفنوس پاپ - اصلش از رومیه بود، پنج سال و بیست و هشت روز پاپی کرد و در عهد او میان رومیه و لئبردیه تعصب و خلاف افتاد و ری دافرنس بر رفت و پادشاه لئبردیه را بکشت و آن مملکت بگرفت.

تاریخ پاولوس پاپ - از رومیه بود و یک سال و یک ماه پاپی نشسته بود و در حق خالق نیکوئی ها و هرات^۱ کرد.

تاریخ قسطنطینوس پاپ - از شهر رومیه بود، یک ماه پاپی نشست مخالفان دلت بر و ظفر یافتند و چشمه های او را برکنند.

تاریخ لیو قیصر - پسر قسطنطینوس قیصر بود و بعد از پدر مدت پنج سال قیصری کرد و بعد از آن مادرش شریک شد.

تاریخ قسطنطینوس قیصر و مادرش ایرینا - پسر و مادر هم دو سال تمام قیصری کردند و بعد از آن مادر قصد قیصر پسر کرد و بحیلت چشم او را بکنند و با استقلال خود پادشاهی نشست^۲.

تاریخ اسطفنوس پاپ - از جزیره صقلیه بود، سه سال و پنج ماه و یازده روز پاپی کرد.

تاریخ ادریانوس پاپ - اصل او از روم بود مدت بیست و نه سال و پنج ماه و هجده روز پاپی کرد. هفتم جمعیت ارسایان ساخت باستنبول و خود با سیصد پارسا با مخالفان ملت جدل کرد^۳.

۱ - اصل : برات (متن تصحیح قیاسیت). ۲ - پنج : ده .

۳ - پنج : لیو بعد از پدر مدت پنج سال قیصری کرد بعد از آن مادرش بحیلت چشم پسر کو کرد و سه سال با استقلال قیصر شد بعد از آن پسرش مستولی شد و پنج سال دیگر با استقلال قیصری کرد . ۴ - پنج : سه . ۵ - پنج : کردند .

تاریخ مادر لیو قیصر - چون چشم پسر^۱ بر کند بر تخت نشست مدت سه سال پادشاهی کرد و در آن وقت هفده روز آفتاب تاریک شد، مردم حمل بر آن کردند که از تأثیر فعل پادشاه است که با پسر کرد.

تاریخ لیو قیصر - بعد از مادرش دیگر بار قیصر شد و مدت پنج سال پادشاهی کرد.

تاریخ لیو پاپ - اصلش از رومیه بود بیست و پنج سال و شش ماه پاپی کرد و خصمان بر و ظفر یافتند و چشمش بیرون کردند و زبانش بریدند کریستوس خود را در خواب^۲ بقیصر نمود تا لشکر کشید و اعدای او را قهر کرد و در عهد او مسلمانان بر روم مستولی شدند.

۱۰ تاریخ کرلوس قیصر - چون لیو قیصر بماند پاپ وقت کرلوس را که رید افرنس بود بقیصری برداشت و در رومیه بر تخت نشاند و سبب آنکه، بدفع پادشاه لئوردیه مدد پاپ کرده بود و مدت چهارده سال قیصری کرد و دست مسلمانان را از فرنگستان کوتاه گردانید و تاج مسیح از قدس بر روم برد.

۱۵ تاریخ لوطو یقوس قیصر و پسرش لوطریس - مدت بیست و پنج سال قیصری کردند و در دوران ایشان و بای فاحش شد و در اول تابستان تگرگ عظیم بباید بغایت بزرگ.

تاریخ پمسکالس پاپ - از شهر رومیه بود، هفت سال و دو ماه پادشاهی کرد.

تاریخ او جنیس پاپ - هم از رومیه بود، سه سال و دو ماه پاپی کرد.

۲۰ تاریخ فلنطینس پاپ - او نیز از رومیه بود، مدت چهار روز پاپی کرد.

۱ - نه افزوده : خویش . ۲ - نه : بر آوردند . ۳ - نه : بخواب .

تاریخ گریگوریوس پاپ - هم از رومیه بود مدت یازده سال پاپی کرد.
چون میان اهل رومیه تعصب و جدل بود سلطان مصر را بمدد خواندند^۱ تارومیه
بستند و کلیسیای بزرگ را آنجا پایگاه ساخت و بعد از آن رید افرنس
وری لئبر دیه بیامدند و ایشانرا هزیمت کردند.

تاریخ لوطریوس قیصر - چون پدرش^۲ نمادی او بامتداد لال قیصر شد و
مدت ده سال بادشاهی کرد و بعد از آن پسر خود را شریک گردانید و مدت
پنج سال دیگر قیصری کرد و آنگاه ملول گشت و رهبان شده درغاری
نشست و ملک پسر باز گذاشت.

تاریخ سرگبوس پاپ - اصلش از رومیه کبری بود مدت سه سال
پاپی کرد.

تاریخ لیوپاپ - از رومیه بود. هشت سال و سه ماه و هشت روز پاپی
کرد و در عهد او ری آنگله^۳ ن تواضعها نمود و بهر يك سر يك درهم پاپ داد.
تاریخ بنطکطوس پاپ - از رومیه بود. دو سال و شش ماه پاپی کرد
و با مردم نیکوئیهای بسیار کرد.

تاریخ پارلوس پاپ - از رومیه بود. مدت دو سال و دو ماه پاپی کرد.
تاریخ لوطویقوس قیصر - چون پدرش لوطریوس رهبان شد و ملک باو
باز گذاشت او مدت نوزده سال و هشت ماه و چهار روز باستقلال قیصری کرد.
تاریخ اسطفنوس پاپ - از رومیه بود. مدت چهار سال تمام بر
کرسی پاپی نشست.

تاریخ نیکولوس پاپ - از رومیه بود و نه سال و دو ماه و بیست روز

۱ - نه : پانزده . ۲ - نه : خواند . ۳ - نه : پدرش این لوطویقوس .
۴ - نه : شریک ! شهر . ۵ - نه : ده . ۶ - نه : يك .

پایی کرد و در عهد او در شهر کلونیه وبا افتاد و همه مردم در کلیسیاهای
بزرگ گرفتند و برقی مانند اژدها بر کلیسیاها افتاد و بیشتر مردم هلاک شدند.

تاریخ ادریانوس پاپ - اصلش از رومیه بود و پنج سال پایی کرد.

تاریخ کرلوس قیصر - مدت هشت سال قیصری کرد و در عهد او جزیره
صقلیه که مسلمانان گرفته بودند فرنگان باز گرفتند و از قبل خود
پادشاهی در ولایت فلندریه^۱ نشانند و عاقبت او را جهودی زهر داد و بکشت.

تاریخ یوحنا پاپ - از رومیه بود. مدت ده سال و دو ماه پایی کرد
و بعد از باستانبول هشتم جمعیت ترسانان ساختند سیصد و هشتاد و سه مرد
ترسا گرد شدند و با خصمان ملت مباحثه و مجادله کردند.

تاریخ کرلوس ثانی قیصر^۲ - هفت سال بر تخت قیصری نشست و در عهد
او در انطاکیه قحط و غلای عظیم افتاد و ریدافرنس را مدد کرد تا گبران
ولایت نوروکیه را که ولایات فرنگ^۳ خرابی میکردند جواب داد و ایشان
جمعه ترسا شدند.

تاریخ مریئوس پاپ - اصل او از رومیه بود. مدت یک سال و پنج ماه پایی
کرد.

تاریخ اطربانیوس پاپ - اصل او نیز از رومیه بود. مدت یک سال و
چهار ماه پایی کرد.

تاریخ اسطافوس پاپ - اصلش از رومیه کبری بود. مدت شش سال
وده روز پایی کرد.

تاریخ فرموسوس پاپ - اصلش از رومیه برده. مدت پنج سال و شش
ماه پایی کرد.

تاریخ ارنولفوس قیصر - ده و ده سال قیصری کرد و عاقبت شپش در

۱ - نیج : اسکندریه . ۲ - نیج : این کرلوس ثانی . ۳ - نیج : بفرنگستان .

وی افتاد و اطباء از معالجه او عاجز آمدند و بدان علت بمرد

تاریخ لوط و بقوس قیصر و برادرش برنگاریوس - بعد از آنکه شش ماه تنها قیصری کرده بود برادرش برنگاریوس با او شریک شد و در ولایت المانیه نشست و او خود در اتالیبه و مدت هشت سال قیصری کردند .

۵ تاریخ بنفاسیوس پاپ - اصل او از نو سکانا بود . مدت پانزده سال پاپی کرد .

تاریخ روما نوس پاپ - سه ماه و دو روز پاپی کرد .

تاریخ تیو طروس پاپ - بیست روز پاپی کرد .

تاریخ یوحنس پاپ - اصلش از رومیه بود . مدت دو سال و پانزده روز بر کرسی پاپی نشست و با اهل شهر رومیه جنگها کرد . ۱۰

تاریخ لیوپاپ - اصلش از رومیه کبری بود و مدت چهل روز پاپی کرد .

تاریخ کرسطوفروس پاپ - بیست و هفت سال پاپی کرد و در آخر او را معزول کردند و رهبان شد و نماند .

تاریخ سرگیوس پاپ - از رومیه بود و هفت سال و سه ماه و شانزده روز پاپی کرد . ۱۵

تاریخ انسطاسیوس پاپ - از رومیه بود . مدت دو ماه پاپی کرد .

تاریخ او گو قیصر - او گو بشرکت پسرش برنگاریوس مدت هفت

سال پادشاهی کرد و در عهد اولش کرماجریستان با سپانیه آمدند و خرابیها ۲۰

۱ - فج : بعد از شش سال که قیصری کرد .

کردند و پادشاه بوهیمیه با اهل آنجا بیکیار گئی^۱ ترسیدند و بدین دو
پسر او بهترین را بکشت بعد از آنکه^۲ پسر کت پسر هفت سال قیصری^۳ کرده
بود او گو امیری را از امراء خود قائم مقام خود گردانید و آن امیر
بعد از همدست چهل و یک سال و دو ماه قیصری کرد.

۵ تاریخ یوحنا پاپ - شانزده سال و دو ماه و سه روز بر کرسی پاپی
متمکن بود و با مسلمانان جنگها کرد و در عهد اولش کماجر بر رومیه آمدند
و قتل و تاراج بسیار کردند.

تاریخ لیوپاپ - اصلش از رومیه بود، شش ماه و پنج روز پاپی کرد.

تاریخ اسطفنوس پاپ - از رومیه کبری بود و دو سال و یک ماه و دو روز

۱۰ روز پاپی کرد.

تاریخ هنریکوس قیصر - مدت هژده سال بر تخت قیصری متمکن

بود.

تاریخ یوحنا پاپ - از رومیه بود چهار سال و دو ماه و پانزده روز

پاپی کرد و در عهد او در ولایت جنوه چشمه ای پدید آمد از آن خون صرف

۱۵ بر زمین جوشید و در آن سال مسلمانان از مغرب بیامدند و قتل و تهب

وافر کردند.

تاریخ لیوپاپ - از رومیه بود، شش سال و یک ماه پاپی کرد.

تاریخ اسطفنوس پاپ - از آلامانیه بود، سه سال و شش ماه و دو روز

پاپی کرد.

۱ - نه تمام.

۲ - نه، هفت سال.

۳ - نه: پادشاهی

۴ - نه سال.

۵ - نه ماه.

تاریخ مرطینوس پاپ - از رومیه کبری بود . سه سال و شش ماه و دو روز پایی کرد .

تاریخ برنگاریوس قیصر - هفت سال قیصری کرد و در زمان او اتالیه معمور شد و او مردی بغایت عادل و نیکو سیرت بود .

تاریخ اغاپطوس پاپ - از رومیه بود . پنج سال و دو ماه و هفت روز پایی نشست .

تاریخ لوتریوس قیصر - دو سال قیصری کرد و در عهد او آفتاب سرخ رنگ طلوع کرد . عاقبت در اتالیه ^۱ فتنه و آشوب ظاهر شد .

تاریخ یوحنا پاپ - از رومیه بود ، یکسال و شش ماه و دو روز پایی کرد ، چون زندگانی او نه بر طرز ^۲ پایان بود پیش قیصر غمز کردند تا او را از پایی معزول کرد .

تاریخ برنگاریوس قیصر و پسرش ^۳ - هر دو ^۴ بشرکت یازده ساله قیصری کردند و چون برنگاریوس بغایت ظالم بود او طو پادشاه الامانیه با لشکری بیامد و او را معزول کرد و ولایت لنبردییه بدو داد و باز گردانید و دیگر بار چون همان ^۵ ظلم میکرد او طو باز بیامد و پاپ او را قیصر گردانید .

تاریخ بنطکطوس پاپ - مدت دو سال و پنج روز پایی نشست و زندگانی نیکو کرد .

۱ - نج : اطلیه .

۲ - نج : طریق .

۳ - نج : افزوده : الریکوس .

۴ - نج : پدر و پسر .

۵ - نج : بمشارکت .

۶ - نج : همچنان .

تاریخ لیوپاپ - مدت یکسال و چهار ماه پای کرد .

تاریخ اوپو^۱ قیصر - مدت شش سال قیصری کرد و او اول پادشاهی
از^۲ ولایت الامانیه که در ملت صلیب بود و بسیار گبران را ترسا کرد .

تاریخ یوحنس پاپ - از شهر نارتیه بود هفت سال و یازده ماه و شانزده
روزی پای کرد و اهل رومیه او را حبس کردند و آخر بیرون آوردند و
بولایت کنیانیه رفت^۳ و اوپو قیصر لشکر فرستاد و بکینه^۴ او خلق بسیار
را^۵ بکشت و اسراء برد .

تاریخ بنطکطوس پاپ - اصلش از رومیه کبری بود، مدت یکسال و
شش ماه پای کرد .

تاریخ طونوس پاپ - یکسال و شش^۶ ماه پای کرد .

تاریخ اوپو ثانی قیصر - مدت بیست و یکسال بر تخت قیصری نشست^۷
و روزگار بعدل و انصاف گذرانید .

تاریخ بنفاسیوس پاپ - مدت یکماه و دوازده روز پای کرد .^۸

تاریخ بنطکطوس پاپ - اصلش [از] رومیه کبری بود ، مدت نه

سال و پنج^۹ ماه و شش^{۱۰} روز پای کرد .

۱ - نیچ : اوپون .

۲ - نیچ : در ؟

۳ - نیچ : فرستادند .

۴ - نیچ : آنپوه راه .

۵ - نیچ : اسیر کرد .

۶ - نیچ : سه .

۷ - نیچ : تمکن یافت .

۸ - نیچ : سه سال و یکماه .

۹ - نیچ : بر کرسی پایی نشست .

۱۰ - نیچ : شش .

۱۱ - نیچ : پنج .

تاریخ یوحنا پاپ، نه هشت ماه پاپ بود. اهل رومیه او را بگرفتند
و در قلعه ای حبس کردند تا بگریستگی بمرد.

تاریخ یوحنا دوم پاپ - از رومیه کبری بود، سه ماه پایی کرد.

تاریخ اوطوسیم قیصر - دوازده سال قیصری کرد و قیصری تا به عهد
او با قوت و نسب بود. و بعد از آن، سه مر حیسا و سه امیر بزرگ و یک پادشاه
قیصر را^۱ بحسب استعداد میگزینند تا چون بر یکی متفق الکلمه شوند
پادشاهی او را اختیار کنند و بر تخت قیصری نشاندند.

تاریخ گریگوریوس پاپ - اصلش از ولایت سکسونیه بود. دو سال و
شش ماه پایی کرد.

تاریخ سلو سطورس پاپ - از افریسه بود، چهار سال و یک ماه و بیست روز
پایی کرد و ساحر بود و بمرد ابلیس پاپ شد و گناه کبیره^۲ [ازوی] در وجود
آمد او را گفتند ترا به اورشلیم^۳ باید رفت و آنجا نماز کرد^۴ و در رومیه
کلیسای بزرگ بود اورشلیم نام آنجا رفت و نماز گزارد خدای تعالی برو
خشم گرفت او بدانتست و اندام خود را یازده یازده پرید حق تعالی بر و رحم
آورد^۵، توبه^۶ او را پذیرفت.

تاریخ یوحنا پاپ - از رومیه بود و پنج ماه و هشت روز پایی

۱ - نهج : ویک پادشاه ؛ ویک پادشاه مردم را .

۲ - نهج : کنیزه ازوی .

۳ - نهج : بیت المقدس .

۴ - نهج : کردن ؛ نیاز کردن .

۵ - نهج : و در رومیه بکلیسای بزرگ رفت و نماز گزارد .

۶ - نهج : آمد .

۷ - نهج : اوقبول کرد .

کرد.

تاریخ سر گیوس پاپ - دو سال و هفت ماه و هشت روز پایی کرد.
تاریخ انریکوس قیصر - هفت کس که اختیار کردن قیصره برای
ایشان مفوض بود^۱ او را بر تخت قیصری نشاندند، ده سال پادشاهی کرد و
عنین بود و بکر مرد و خواهر را بیادشام ماجرستان داد و ایشان را
ترسا کرد.

تاریخ کنراطوس قیصر - او را بر تخت قیصری نشاندند و یازده سال
پادشاهی کرد، عظیم نیکخواه خلق بود و بر رعیت مهربان و غمخوار^۲.

تاریخ بنطکطوس پاپ - از ولایت توسقالان بود چهارده سال پایی
کرد و چون نماد بر شخصی پارسا صورت او ظاهر شد سرش مانند سر خر^۳
و دم مانند خرس آن شخصی - عال او پرسید گفت چنانکه درد نیاز بودم مرادان
صورت کردند.

تاریخ سلوسطروس پاپ - پنجاه و شش روز پاپ بود.

تاریخ گریگوریوس پاپ - از رومیة کبری بود مردی نیکو سیرت
مدت پنج سال پاپ بود بدان رامتیه و داشت و آن طائفه بقصد او برخاستند
و بروظفر نیافتند و بگاه نزاع وصیت کرد تا او را بر گردون نهند و بگا و
روان گردانند آنجا که گاو بایستد او را دفن کنند، بر در کلیسیا بایستاد
و درها باز شد، او را آنجا دفن کردند.

۱ - نهج : ایت.

۲ - نهج : اوراغ و حریص بر دوستی و جمعیت مردم.

۳ - نهج : خروس.

تاریخ انریکوس قیصر پسر کنراطوس بود و گویند داماد او مدت
 بیست و هفت^۱ سال قیصر بود و بعد اودر ولایت ایولیه صورتی از مر میافتند
 کائنه سراواز مس^۲ و بر آن نوشته که در اول روز از ماه ایار که آفتاب
 بسرطان رسد سر من زرین شود و کس معنی آن فهم نمیکرد و مسلمانانی اسیر
 حاضر بود و فهم آن کرد و روز اول ایار چون آفتاب بنصف النهار رسید آنجا
 که سایه سر آن صورت افتاده بود بگوید^۳ گنجی یافت^۴ مردم متعجب
 ماندند و او را^۵ از اسیری خلاص دادند.

تاریخ قلیمنس پاپ - اصلش از آلمانیه بود، نه ماه پایی کرد.

تاریخ طمسوس پاپ - یکماه پایی کرد.

تاریخ لیوپاپ - از آلمانیه بود پنج سال و دو ماه و شش روز پایی کرد.

تاریخ فکتورپاپ - از آلمانیه بود دو سال و ده ماه پایی کرد.

تاریخ اسطفنوس پاپ - از آلمانیه بود، نه سال پایی کرد.

تاریخ بنطکطوس پاپ - مدت هشت ماه پاپ بود.

تاریخ نیکولوس پاپ - اصلش از بوزر گندیه بود. دو سال و شش ماه

و بیست و شش روز پاپ بود.

تاریخ السندرپاپ - از شهر میلان بود، یازده سال و شش ماه و بیست و

پنج روز پایی کرد.

تاریخ انریکوس قیصر - هفتاد سال بر تخت قیصری متمکن بود و در

عهد او امیری در خانه نشسته بود، ناگاه موشان بر و جمع میشدند و او را

میخوردند و بدیگران تعرض نمیرسانیدند و دفع ایشان میسر نمی شد و

۱- نهج : هشت.

۲- نهج افزوده، ساخته.

۳- نهج : بگویدند.

۴- نهج : دیدند.

۵- نهج : که مجبوس بود.

اورا بکشتی نشانده بنزیا بردند تا باشد که دفع شود همچنان در کشتی
 موش پیدا شده^۱ اورا میخوردند و در زمان او لشکری بزرگ جمع شد
 و با مسلمانان مصاف داد و بیت المقدس باز گرفتند^۲ و در انطاکیه نیزه ای یافتند
 که کرسطوس را بدان زده بودند و صحت آن با آتش امتحان کردند، نسوخت.
 تاریخ گریگوریوس پاپ - اصل از توسکانا بود و دوازده سال و یکماه
 و چهار روز پایی کرد.

تاریخ فکاتور پاپ - یکسال و سه ماه و هفت روز پایی کرد.

تاریخ اوربانوس پاپ - یازده سال و چهار ماه پاپ بود و در عهد او
 امیری^۳ بالشکری انبوه بیامد نام او بویمند و بیت المقدس بستند.

تاریخ انریکوس فیصر - مدت پانزده سال بر تخت قیصری بود^۴.

تاریخ پسکالس پاپ - اصلش از توسکانا بود. ده سال و پنج ماه و هفت
 روز پایی کرد.

تاریخ گلاسیوس^۵ پاپ - اصلش از کنپانیه بود، مدت یکسال و پنج
 روز پایی کرد.

تاریخ کلیکسٹوس پاپ - اصلش از رومیه بود. پنج سال و ده ماه و سیزده
 روز پایی کرد.

تاریخ لوطریوس^۶ قیصر - یازده سال^۸ بر تخت قیصری بود و در عهد او

۱- نهج : بکشتی رفتند .

۲- نهج : باز بستند .

۳- نهج : افزوده : بزرگ .

۴- نهج : یازده .

۵- نهج : تمکن یافت .

۶- نهج : قلاسیوس .

۷- نهج : کراطوس .

۸- نهج : پانزده .

بولايت افرنسه بی آبی چنان بود که ^۱ رودخانها و چشمها و کاریزها بتمام ^۲ خشک شده بود و یکجا ^۳ زمین شکافته شد، آتش از آنجا بیرون آمد و بعضی کشته نشد تا بعد از دو سال فرونشست ^۴.

تاریخ انوریوس پاپ - از شهر بنانیه بود، پنج سال و دو ماه و سه روز پایی کرد.

۵

تاریخ انوسیمیوس پاپ - از رومیة کبری بود سیزده سال و هفت ماه و هشت روز بر کرسی پایی نشست.

تاریخ کنراطوس ^۵ قیصر - پانزده سال قیصری کرد و در عهد او شخصی بود سلاح دار کرلوس اولین، بالای ^۶ سیصد سال عمر یافته در آن زمان نماند.

تاریخ سلسطینیوس پاپ - از نوسکانا بود، پنج سال و سیزده روز پایی کرد. تاریخ لوسیوس پاپ - از بنانیه بود، یازده ماه و چهار روز پایی کرد. تاریخ او جینیوس ^۷ پاپ - از شهر پیزا بود و هشت سال و چهار ماه و بیست روز پایی کرد ^۸.

۱۰

تاریخ انسطاسیوس پاپ - از رومیة کبری بود یک سال و چهار ماه و بیست و چهار روز پاپ بود ^۹.

۱۵

تاریخ فردریکوس قیصر - مدت سی و هفت سال بر تخت قیصری نشست

۱ - نه : چنانکه .

۲ - نه : بتمامت .

۳ - نه : پاره .

۴ - نه : هر چند سعی کردند نتوانستند کشت بعد از دو سال فرونشست .

۵ - نه : لوطریوس .

۶ - نه : کرلوس اولین بالای (زیادت) .

۷ - نه : روجانیوس .

۸ - نه : بر کرسی پایی تمکن یافت .

۹ - نه : بهایی نشست والسلام .

ودر عهد اوسلطان حلب بالشکر بسیار بیامد و شهر رها از ترسایان بستد
و قتل و غارت کرد و مسلمانان باز بیت المقدس را بستند.

تاریخ اطرینوس پاپ - از انگلیه بود . مدت چهار سال و هشت^۱
روزی پای کرد .

- ۵ تاریخ السندر پاپ از ولایت توسکانا بود و یک سال و هشت روز پای
کرد و در عهد او زلزله عظیم شد چنانکه انطاکیه و طرابلس و دمشق خراب
گشت و در جزیره صقلیه شهر کتانیه بکلی خراب شد و زیادت از بیست
هزار آدمی مردند و دریای صقلیه بر گردید و پنج هزار آدمی تفرقه گشتند.
تاریخ لوسیوس پاپ - از توسکانا بود و چهار سال و دو ماه و هجده روز
پای کرد .

۱۰

تاریخ اوربانوس پاپ - از شهر میلان بود یک سال و دو ماه و بیست
و پنج روز پای نشست و در عهد او مسلمانان بیت المقدس را از نصاری باز
گرفتند^۲ و اوربانوس^۳ از غصه^۴ بمرد .

۱۵

تاریخ گریگوریوس پاپ - اصلش از بنونت بود یک ماه و هجده روز
پای کرد و فرمود تا لشکر جمع شود^۵ و بیت المقدس از مسلمان باز گیرند
و در آن میانه او نماند .

تاریخ قلمنس پاپ - اصلش از رومیه بود ، شانزده روز پای کرد
و نماند .

۱- نهج: بیت .

۲- نهج: گرفتند.

۳- نهج: او .

۴- نهج: آن غصه .

۵- نهج: لشکرها جمع شوند .

تاریخ سلسلہ سولہ پاپ۔ اونیز از رومیہ بود، مدت شش سال و ہشت ماہ

بر کرسی پاپی نشست .

تاریخ انریکوس قیصر - ہشت سال و پنج ماہ قیصر بود و در عہد او
فرنگان قسطنطنیہ بستند و پادشاہ آنجا را بکشتند و قتل و غارت کردند
و اسیر بسیار بردند .

۵

تاریخ انوسنسوس پاپ - از رومیہ بود، مدت ہشت سال بر کرسی

پاپی نشسته ہوں .

تاریخ اوطون قیصر - اصلش از سکسونیہ بود چون تاج
قیصری بر سر او نہادند بی اجازت پاپ^۲ با بزرگان رومیہ جنگ
کرد و با ولایت عیولیہ رفت و ستد، پاپ از وی ہرنجید و نفرین کرد و بعد
از آنکہ چہار سال قیصری کردہ بود اورا معزول گردانید .

۱۰

تاریخ انوریوس^۴ پاپ - از رومیہ بود، دہ سال و ہشت ماہ و سیزدہ روز
پاپی کرد و در عہد او فرنگان دمیاط باز گرفتند و مسلمانان دیگر بار بستند
و ریڈافرنس را بگرفتند، او ہمال خود را باز خرید .

تاریخ فردریکوس قیصر - سلسلہ سولہ پاپ اورا تاج قیصری بر سر
نہاد و مدت سی و سہ سال و دو ماہ و بیست و پنج روز پادشاہی کرد و آخر
عاصی شد و پاپ از وی ہرنجید و بروی نفرین کرد^۵ پسرش جہت رضاء پاپ
پدرا بگرفت و در زندان کرد تا بمرگ، امیری بود تورنگیہ نام اورا اختیار
کردند و بقیصری نشانند و چند گاہ پادشاہی کرد و ماند^۶ .

۱۵

۱- پنج : ہفت .

۲- پنج : افزودہ؛ ہم در آن عہد معزول خروج کردند .

۳- چہ : نہادہ... پنج : نہادہ بی اجازت سلسلہ سولہ پاپ . (متن تصحیح قیاسیست).

۴- پنج : انریوس .

۵- پنج : چون پاپ از وی ہرنجید اورا معزول کرد .

۶- پنج : و مدت سی و ہشت سال و دو ماہ و ہشت روز قیصری کرد .

- تاریخ سلسطینوس پاپ اصلش از میلان بود و هفده روز پایی کرد .
- تاریخ کلمنس قیصر - امیر هولندیه بود ، اورا بگزیدند و بقیصری نشانند و در عهد اولود و یکوس که ریدافرنس بود بالشکر تمام^۱ بمصرفت و تاختن کرد و در میاط بستند و بترتیب فتح مصر مشغول شد . سلطان مصر بیامد و اورا بشکست و او در دست امیری منفرد نام اسیر شد و خود را بمال وافر باز خرید و سلطان منفرد را بفرستاد تاجزیر و صقلیه باز گرفت^۲ و پاپ وقت ریدافرنس را فرستاد تا منفرد را کشت و صقلیه باز گرفت .
- در آن ایام لشکر مغول بامجرستان و پولونیه رفتند از راه دشت قیچاق و خلق بسیار را بکشتند و غارت کردند و در آن ولایت قحطی و تنگی افتاد^۳ چنانکه مردم گوشت فرزندان میخوردند . خدای تعالی برایشان رحم کرد و از آسمان چیزی مانند آرد بیارید و از آن نان پختند و غذای ایشان شد^۴ و در آن عهد کوهی شکافته شد و بموضع دیگر منتقل گشت^۵ و پنج هزار آدمی را در زیر گرفت و بعهد سلطان ریدافرنس^۶ در طلیطله^۷ جهودی باغی ساخت سنگی^۸ پدید آمد که در آن هیچ رخنه^۹ نبود آن را شکافتند در میان آن کتابی یافتند اوراق آن از چوب و بخط عبری و رومی و فرنگی نوشته و سخن آن مازند زبور بود و از جمله در آنجا نوشته یکی آنکه این

۱- نج : بالشکری .

۱- نج : بستند و حاکم شد ؛ و کج شد .

۳- نج : قحطی پیدا شد .

۴- نج : و بنان بخشید و خوردند ؛ و آن را بخوردند .

۵- نج : شد .

۶- نج : قریب پنجهزار .

۷- نج : و در عهد سلطان دافرنس .

۸- نج : در ولایت طلیطله .

۹- نج افزوده : بزرگی .

۱۰- نج افزوده : و شکافی .

کتاب در عهد ری دافرنس ظاهر شود و دیگر آنکه مسیح پسر خدای از مریم
عذراء بزاید بجهت استخلاص مردم از دوزخ و بدست بدترین خلق خدا
شکنجه خورد و جهود آن کتاب را بر مردم عرض کرد و خویشان با اهل و
عیال ترسا شد بعد از آن لطویکوس ری دفرنس بالشکر بیحد و بی اندازه
عزم شام کرد و چون بتونس رسید او را زبون گردانیده تا متقبل خراج
شد و از کثرت لشکر تصور کرده بود که همه ممالک اسلام را ستاند^۱
مسلمانی را^۲ براندازد تا گاه به مرد^۳. مدت قیصری اوده سال و یازده^۴ ماه
و هژده روز بود.

تاریخ السندریا پ - از کمپانیه بود و هفت سال و سه ماه و چهار روز
پایی کرد و در عهد او امراء الامانیه دوقیصر را گزیدند یکی از اسپانیه و
یکی از انگله^۵ تر و پادشاهی دوقسم شد.

تاریخ اربانوس پاپ - از ترسین بود سه سال و یک ماه و چهار روز
پایی کرد.

تاریخ قلیمنس پاپ - از ولایت پروینچ بود، سه سال و هشت ماه پایی
کرد در ابتداء میل زن داشت، چون [زن او] بمرد او پاپ شد و مر حیسا
گشت و باز پاپ^۶ شد و خویشی از فردریکوس بالشکر بزرگ از الامانیه بیامد
تا قصد پاپ کند، ری کرلوس^۷ او را بکشت.

تاریخ گریگوریوس پاپ - اصل او از لنبردییه بود. چهارده سال و دو ماه

۱ - نهج : ممالك را بگیرد.

۲ - نهج : مسلمانان را.

۳ - نهج : ابویحیی تعیین نکرده تا را او بساخت.

۴ - نهج : پنج.

۵ - نهج : در ابتداء متأهل بود و چون زنش نمائندمرحسا پاشد و باز پاپ گشت.

۶ - نهج : از آن فردریکوس قیصر.

۷ - نهج : کارولوس ؛ کرولوس.

دوه روز پاپی نشست و فرمود تا استخلاص قدس را لشکر بزرگ ترتیب کردند
تا امراء معتبر در آن باشند. در اثناء آن حال پاپ نمازد.

تاریخ انوسنسئوس پاپ - از ولایت بر گندیه بود، پنج ماه و دو روز
پاپی کرد.

۵ تاریخ ادریانوس پاپ - از شهر جنوه بود، یکماه و نه روز پاپی کرد.

تاریخ یوحنس پاپ - اصلش از اسپانیه بود هشت ماه و یکروز
پاپی کرد.

تاریخ نیکولوس پاپ - از رومیه^۱ بود و دو سال پاپی کرد و بعد او
رودخانه رومیه زیادت شد چنانچه در شهر خانه^۲ بخانه بکشتی تردد میکردند
و ری ار گنیه را با پاپ خلاف افتاد و بر وی عاصی شد.

تاریخ ردلفس قیصر - هفده سال قیصری کرد و در عهد او مسلمانان
عکه و طرابلس و تمامت فرستهای شام بگرفتند و خلایق بسیار از فرنگان
بکشتند و او بسبب مخالفت با ری بومیمیه جنگ کرد و کشته شد.

تاریخ مرطینوس پاپ - اصل او از فرنس بود، سیزده سال پاپی کرد و
در عهد او ری ار گونی^۳ که بر پاپ عاصی شد بی اجازت پاپ در جزیره صقلیه
تاج قیصری بر سر نهاد.

تاریخ انوریوس پاپ - از رومیه بود، مدت سه سال و پنج ماه پاپی
کرد.

تاریخ نیکولوس پاپ - از شهر اورسین^۴ بود، چهار سال و یکماه
و سیزده روز پاپی کرد.

۱ - نج: روم.

۲ - نج: آن خانه.

۳ - نج: سی.

۴ - نج: اورسین.

تاریخ سلسطینوس پاپ - اصل او از شهر وجیه بود شش ماه بر کرسی پایی نشست و باختیار خود را معزول کرد .

تاریخ اطلقس قیصر - مدت نه سال و شش ماه بر تخت قیصری متمکن بود و قریب دو بیست و پنجاه هزار آدمی مسلمان را که در شهر لوچره از آن ولایات^۱ ساکن بودند بکشت بکینه گرفتن شهرهای حوالی شام^۲ و خراب کردن کلیسیاها در تبریز و ممالک ایران در عهد سلطان غازان خان .

تاریخ بنفاسیوس پاپ - از کنیانیه بود، نه سال تمام بر کرسی پایی متمکن یافت و در عهد او جزیره صقلیه که ری از گونیه گرفته بود باز گرفتند و پسر ری از گونیه مطیع پاپ شد .

تاریخ ادالبرطوس قیصر - این زمان ادالبرطوس بر تخت قیصری متمکن است و آنچه از احوال او راقع شود همانقدر در قلم آید که باشد، ان شاء الله تعالی^۳ .

تاریخ بنطکطوس پاپ - اصل او از شهر ترفیس است و قریب یک سال بود که بر کرسی پایی نشسته بود^۴ و این زمان که جامع این کتاب این حکایات نوشته است تاریخ هجریه در شهر سنه^۵ خمس و سبعمانه^۶ بوده است و در آن پاپ بنطکطوس بوده است حاکم و فرمان روا^۷ و السلام .

۱ - نج : ولایت .

۲ - نج : حوالی شهرها .

۳ - نج : ادالبرطوس ... و این زمان که شهر سنه^۴ سبع عشر و سبعمانه^۵ هجریست بر تخت قیصری متمکن است و معاصر بنطکطوس ...

۴ - نج : و این زمان که شهر سنه^۵ خمس و سبعمانه^۶ هجری است بر قرار پاپ اوست ؛

۵ - نج : و این زمان که شهر سنه^۶ سبع عشر و سبعمانه^۷ هجریست بر قرار پاپ اوست و از مدت جلوس او سهزده سال معاصر اطلقس بود و بعد از آن تا اکنون معاصر ادالبرطوس قیصر .

فهرست نام‌های گمان و جایها و جز آن

آدم - ۱۳۱۲	ارسطون ، ۱۸ .
آذربایجان - ۳۲ .	ارقادیوس قیصر - ۲۶ .
ابرنیه (ابر نیا) - ۲۷ .	ارمن - ۱۸ .
ابلیس - ۴۴ ، ۲۷ .	ارمیه - ۱۸ .
ابو یحیی (عزرائیل) - ۵۲ ح .	ارگنیه (اره گنیه، ارگونیه) - ۵۳، ۷،
ابیس - ۳	۵۴ .
ابولیه (عیولیه) - ۴۶ ، ۵۰ .	اروشلیم (۲) (کلیسا) - ۴۴ .
اتالیه - ۴۰ ، ۴۲ (اطلیه ۴۲ ح) .	اریس - ۱۰ .
اقیته - ۱۷ .	اسپانیا (اسپانیه) - ۴ ، ۳ ، ۲۳، ۷،
ادالبرطوس (قیصر) - ۵۴ ، ۵۴ ح .	۲۶ ، ۴۰ ، ۵۲ ، ۵۳ .
ادریانوس پاپ - ۳۶ .	اسپسیانوس - ۱۵ .
ادریانوس « - ۳۹ .	استنبول - ۲۶ ، ۳۰ ، ۳۵ ، ۳۶ ،
ادریانوس (اطریانوس) (۱) پاپ - ۳۹ .	۳۹ .
ادریانوس (اطریانوس) « - ۴۹ .	اسطفنوس پاپ (ایسطفنوس) - ۳۶ .
ادریانوس پاپ - ۵۳ .	اسطفنوس « - ۳۶ .
ادریانوس قیصر - ۱۷ .	اسطفنوس « - ۳۹ .
ادیو طاطوس پاپ - ۳۳ .	اسطفنوس « - ۳۸ .
اربانوس (اوربارنوس ۲۰ ح) پاپ - ۲۰	اسطفنوس « - ۴۱ .
رجوع به اوربانوس شود .	اسطفنوس « - ۴۱ .
اربانوس پاپ - ۵۲ رجوع به اوربانوس	اسطفنوس « - ۴۶ .
شود .	اسکندر « (السندر) - ۱۷ .
ارنولفوس قیصر - ۳۹ .	اسکندریه - ۱۷ ، ۳۲ ، ۳۹ ح .

۱- در این صفحه بغلط اطریانوس چاپ شده است اصلاح فرمائید .

۲- در این صفحه بغلط اورشلیم چاپ شده است اصلاح شود .

الیوس - رجوع به ایلیوس شود .	اشیلیا - ۳ .
الیه (اورناتیة ۱۷ ح) - ۱۷ .	اصحاب کهن - ۲۷ .
اماوس - ۲۶ .	اطریانوس (ادریانوس) - ۴۹ ، ۳۹ .
انجیل - ۲۷ .	اطلفس قیصر - ۵۴ ، ۵۴ ح .
اندلس - ۱ .	اغباطوس پاپ - ۳۰ .
انریکوس (هنریکوس) قیصر - ۴۱ .	اغباطوس « - ۴۲ .
انریکوس (هنریکوس) قیصر - ۴۵ .	اغسطوس قیصر - ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ .
انریکوس قیصر - ۴۶ .	افرسطوس پاپ - ۱۶ ، ۱۷ .
انریکوس قیصر - ۴۶ .	افرنج (افرنجه) - ۱ ، ۲ ، ۳ ، ۴ .
انریکوس قیصر - ۴۷ .	۸ ، ۱۰ ، ۱۲ ، ۲۴ ، ۲۹ .
انریکوس قیصر - ۵۰ .	افرنس - ۳۵ .
انسطاسیوس پاپ - ۲۶ .	افرنسه - ۴۴ ، ۴۸ .
انسطاسیوس « - ۲۸ .	افریقیه - ۱۹ .
انسطاسیوس « - ۴۰ .	افروس - ۲۷ .
انسطاسیوس « - ۴۸ .	اکتفیانوس قیصر (= اغسطوس) - ۱۳ .
انسطاسیوس (اناستاسیوس) قیصر - ۲۸ .	اگطون پاپ - ۳۳ .
انسطاسیوس قیصر - ۳۵ .	اگینوس « - ۱۷ .
انطاکیه (انطقیه) - ۱۴ ، ۲۸ ، ۳۰ .	الامانیة المانیة (الامنیة) - ۱ ، ۳ ، ۵ .
۳۳ ، ۳۴ ، ۳۹ ، ۴۷ ، ۴۹ .	۱۰ ، ۱۰ ح ، ۲۰ ، ۲۹ ، ۳۵ .
انطروس پاپ - ۲۰ .	۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۶ ، ۵۲ .
انطونس (انطونیانس) قیصر - ۱۷ .	الانیة - ۱۸ .
انطیانس قیصر - ۱۹ .	البان - ۲۶ .
انطونیانس قیصر - ۲۰ .	الریکوس - ۴۲ ح .
انکلتوس پاپ - ۱۶ ، ۱۶ ح .	السنندر پاپ - ۴۶ .
انکله تر - ۴ ، ۵ ، ۳۸ ، ۵۲ .	السنندر « - ۴۹ .
انکلیه - ۱۹ ، ۲۸ ، ۳۱ ، ۴۹ .	السنندر « - ۵۲ .
انوریوس پاپ - ۳۲ .	السندرسوس - ۲۰ .

اوگو قیصر - ۴۱ ، ۴۰ .	انوریوس پاپ ۴۸
اولاریوس قیصر - ۲۱ .	انوریوس « (انوریوس ۵۰ ح) - ۵۰
اور میزده پاپ - ۲۹ .	انوریوس « - ۵۳ .
اوانوریوس (انوریوس) قیصر - ۲۶	انوستسیوس پاپ - ۴۸ .
ایران - ۴ ، ۵۴ .	انوستسیوس « - ۵۰ .
ایرینه - ۳۶ .	انوستسیوس « - ۵۳ .
ایسطفنوس پاپ - ۲۱ و رجوع به	انوشیروان عادل - ۳۱ .
اسطفنوس شود .	انیسه توس پاپ - ۱۸ .
ایلاریوس پاپ - ۲۸	اواسیوس (اورسیوس) پاپ - ۲۳ ،
ایلیوس قیصر - ۱۹ .	۲۳ ح ، ۲۴ .
ایتوستوس (انوستسیوس) پاپ - ۲۶ .	اوتخیانوس - ۲۲ .
ایوانس - ۱۰ .	اوجنیوس (اوجینس) پاپ - ۳۳ .
یابل - ۲۶ .	اوجنیوس پاپ - ۳۷ .
برتانیه - ۱۴ ، ۱۵ ، ۲۳ ، ۲۸ .	اوجنیوس « (اوجانیوس ۴۸ ح) - ۴۸
برنگاریوس قیصر - ۴۲ .	اوربانوس (اربانس) پاپ - ۲۰ .
برنگاریوس (برنگاریوس) قیصر - ۴۰	اوربانوس پاپ - ۴۷ .
برنگاریوس قیصر - ۴۲ .	اوربانوس « - ۴۹ .
برنگاریوس قیصر - ۴۲ .	اورباتوس (اربانوس) پاپ - ۵۲ .
برگندیه (بورگندیه) - ۴۶ ، ۵۳ .	اورسین - ۵۳ .
بلغار - ۹	اورلینوس قیصر - ۲۲ .
بلنسیا - ۳	اورلیوس قیصر - ۱۸ (۱) ، ۱۸ ح .
بنانیه (بنونیه) - ۸ ، ۴۸ .	اورشلیم - ۱۷ .
بنطکطوس پاپ - ۲۷ .	اوطوقیصر - ۴۲
بنطکطوس « - ۳۱ .	اوطوقیصر ۴۳
بنطکطوس « - ۳۴ .	اوطوقیصر - ۴۴ .
بنطکطوس « - ۳۸ .	اوطون - ۵۰ .

(۱) در این صفحه بغلط ارلیوس چاپ شده است اصلاح شود .

پرفامون - ۱۷ .	بنطاکطوس پاپ - ۴۲ .
پروجیه - ۵۴ .	بنطاکطوس « - ۴۳ .
پروسیه - ۶ .	بنطاکطوس « - ۴۳ .
پرونچ - ۵۲ .	بنطاکطوس « - ۴۶ .
پریس - ۷ .	بنطاکطوس « ۵۴ ، ۵۴ ح .
پسکالس پاپ - ۳۷ .	بنفاسیوس « - ۲۷ .
پسکالس « - ۴۷ .	بنفاسیوس « - ۲۹ .
پطروس - ۱۴ .	بنفاسیوس « - ۳۲ .
پطروس پاپ - ۱۵ .	بنفاسیوس « - ۳۲ .
بطلمیوس قلودی - ۱۷ .	بنفاسیوس « - ۴۰ .
پولونیا (پولونیه) - ۵۱ ، ۶ ، ۵ .	بنفاسیوس « - ۴۳ .
پونثس (جزیره) - ۱۶ .	بنفاسیوس « - ۵۴ .
پونسیانوس پاپ - ۲۰ .	بنو اسرائیل - ۴ .
پونسیوس - ۱۴ .	بتونت - ۴۹ .
پونطانیوس - رجوع به پونسیانوس شود .	بتونیه - رجوع به بتانیه شود .
پیزا - ۹ ، ۴۸ .	بوهیمیا (بوهیمیا) (بوهیمی) - ۴۱ ، ۵ .
پیلاگیوس پاپ - ۳۰ .	۵۳ .
پیلاگیوس « - ۳۱ .	بویمند - ۴۷ .
پیوس پاپ - ۱۸ .	بهرام چوبین - ۳۱ .
تاودوسیوس قیصر (تیدو طولیوس) - ۲۷ .	بیت اللحم - ۱۲ .
تیریز - ۵۴ ، ۸ .	بیت المقدس - ۱۲ ، ۱۲ ح ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۷ ، ۲۵ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۴۴ ح ، ۴۷ ، ۴۹ .
ترسین - ۵۲ .	بین النهرین - ۲۳ .
ترفیس - ۵۴ .	پاترمونیوس پترو - ۹ .
ترکستان - ۱۲ .	پاولوس - ۳۶ .
تودرتیه - ۳۳ .	پاولوس پاپ - ۳۸ .
توراة - ۱ .	پردگله - ۴ .
تورنکیه - ۵۰ .	
توسقالان - ۴۵ .	

دیوقلیطیانس (۱) قیصر ۳۲ .	توسکانا - ۹ ، ۱۵ ، ۲۲ ، ۲۷ ، ۳۱ .
دیونسیونس پاپ - ۲۲ .	۴۰ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹ .
ذوایل - ۱۳ . (۲)	تونس - ۱۰ ، ۵۲ .
ردانیا - ۱۰ .	تیمپور - ۲۸ .
ردلفس قیصر - ۵۳ .	تیوٹروس (توروس) پاپ - ۳۳ .
ردنفره - ۷ .	توطوروس پاپ - ۴۰ .
روس - ۱ .	تیوطوسیوس (تاودوسیوس) قیصر -
روسیه - ۶ ، ۶ ح .	۳۵ .
روم - ۸ ، ۲۷ ، ۳۴ ، ۳۶ ، ۳۷ .	جلیوس - ۲ .
روم (بحر) - ۱ .	جلیوس پاپ - ۲۵ .
رومانس پاپ - ۴۰ .	جنوه - ۸ ، ۹ ، ۴۱ ، ۵۳ .
روملوس - ۱ .	جوحی - ۹ .
رومیک ، ۳۱ ، ۹ ، ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۵ ، ۱۵ ح .	جول بهادر - ۹ .
۱۶ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ .	چنکیز خان - ۹ .
۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ .	حلب - ۴۹ .
۲۹ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۵ ، ۳۶ .	خاقان ترکستان - ۱۲ .
۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ .	خسرو پرویز - ۳۱ .
۴۳ ، ۴۴ ، ۴۴ ح ، ۴۵ ، ۴۷ ، ۴۸ .	دالماتیة (دلماتیه) - ۲۲ ، ۳۳ .
۵۰ ، ۵۳ .	دحله - ۲۵ .
رهاء - ۳۰ ، ۳۱ ، ۴۹ .	دلوزه - ۷ .
ری ارگنیه (ارگونیة) - ۵۳ ، ۵۴ .	دمشق - ۴۹ .
ری اسپانیا - ۴ .	دمیاط - ۵۰ ، ۵۱ .
ری انگلندتر - ۵ ، ۳۸ .	دوقیوس قیصر - ۲۱ .
ری برتانیة - ۲۳ .	دومنوس پاپ - ۳۳ .
ری بوهمیه (بوهمیا) - ۵ ، ۵۳ .	دومیطیانس (دومطیانس) قیصر - ۱۶ .

(۱) در این صفحه بعلط دیوقلیطیانس چاپ شد. است اصلاح فرمائید .

(۲) این کلمه در سطر ۱۰ این صفحه از چاپ ساقط شده است اضافه فرمائید.

ری پرد کله - ۴ .	سقلاب (صقلاب) - ۶
ری دافرنس (سلطان دفرنس) - ۷۱۵، ۲	سقوط لاندیه - ۵ .
۳۹، ۳۸، ۳۷، ۳۵، ۳۲، ۱۰	سکسطوس پاپ - ۱۷، ۱۷ ح .
۵۲، ۵۱، ۵۱، ۵۰ ح	سکسطوس « - ۲۲، ۲۲ ح .
ری دارگون - ۱۰ .	سکسطوس « - ۲۷ .
ری قطلونیه - ۴ .	سکسونیه - ۲۸، ۴۴، ۵۰ .
ری کرلوس - ۵۲ رجوع به کرلوس شود .	سلسطینوس (سلسطینوس) پاپ - ۲۷ .
ری لنبردییه - ۳۷ .	سلسطینوس پاپ - ۴۸ .
ریچال - ۱۰ .	سلسطینوس پاپ - ۴۸ .
زبور - ۵۱ .	سلسطینوس پاپ - ۵۰، ۵ ح .
زکریاس پاپ - ۳۶ .	سلسطینوس « - ۵۱ .
زقاتی - ۳ .	سلسطینوس « - ۵۴ .
زنون قیصر - ۲۸ .	سلفستروس « (سلوسطروس) - ۲۴،
زوسموس پاپ - ۲۷ .	۲۴ ح، ۴۴، ۴۵ .
زیفرنوس « - ۱۹، ۱۹ ح .	سلوریوس پاپ - ۳۰ .
ساقی - ۵ .	سلوسطروس (سلفتروس) پاپ - ۲۴ .
سپنیانوس پاپ - ۳۱ .	سلوسطروس پاپ - ۴۴ .
ستورنس (ستورنوس) - ۱ .	سلوسطروس « - ۴۵ .
ستون (بیطون ح) (بتخانه) - ۱۶ .	سمکس پاپ - ۲۹ .
سردانیه - ۲۹، ۲۸، ۲۰ .	سوتر « - ۱۸ .
سرگیوس پاپ - ۳۴ .	سورییه - ۳۲ .
سرگیوس « - ۳۸ .	سوریانس قیصر - ۱۹ .
سرگیوس « - ۴۰ .	سویتنیه - ۶ .
سرگیوس « - ۴۵ .	سپستینوس پاپ - ۳۴ .
سریجیوس « - ۲۶ .	سیمپلیجوس « - ۲۸ .
سفرینوس « - ۳۳ .	شاپر - ۳۲ .
سقراط - ۲ .	شاطیه - ۳ .
	شام - ۱، ۸، ۱۴، ۳۳، ۳۵، ۵۲،
	۵۴، ۵۳ .

شمیته - ۲۹ .	عپولیه (اوپولیه) - ۴۶ ، ۵۰ .
صقالیه - ۱ ، ۱۸ ، ۱۹ .	عکه - ۵ ، ۵۳ .
صقلیه (صقیلیه) - ۱۰۰ ، ۱۷ ، ۳۳ ،	عمر خطاب - ۳۳ .
۳۴ ، ۳۶ ، ۳۹ ، ۴۹ ، ۵۱ ، ۵۳ ،	عیسی - ۱۲ ، ۱۲ ح ، ۱۳ ح ، ۱۳ ح ،
۵۴ .	۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ .
صور الاقالیم - ۱۱ .	غازان خان - ۵۴ .
طاودوسیوس قیصر - ۲۵ .	غالوس قیصر - ۲۱ .
طاوطاوس پاپ (۱) - ۳۲ .	غایوس پاپ - ۲۲ .
طباریوس (پسرزاده اغسلاوس) - ۱۴	غایوس قیصر - ۱۴ .
طباریوس قیصر - ۳۰ .	غوتیه - ۲۲ .
طباریوس قیصر - ۳۴ .	فارس - ۱۲ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۳ .
طرابلس - ۴۹ ، ۵۳ .	فالكس پاپ - ۲۵ و رجوع به فلكس
طرسوس - ۲۳ .	شود .
طریانس قیصر - ۱۶ .	فیبیانوس پاپ - ۲۱ .
طقاتوس قیصر - ۲۲ .	فرات - ۳۰ .
طلسفروس - پاپ - ۱۷ ، ۱۸ .	فردریکوس قیصر - ۴۸ .
طلیطله - ۳ ، ۴ ، ۵۱ .	فردریکوس قیصر - ۵۰ ، ۵۲ ، ۵۲ ح
طمسوس پاپ - ۲۶ .	فرس - ۲۱ ، ۲۵ ، ۳۰ ، ۳۲ .
طمسوس « - ۴۶ .	فرموسوس پاپ - ۳۹ .
طنجه - ۱۰ .	فرنچ - ۳ .
طنطتوس قیصر - ۲۲ .	فرنس - ۵۲ ، ۵۳ .
طومطیانس (دومیطانس) قیصر - ۱۶ .	فرنک (مردم) - ۳ ، ۱۱ ، ۲۹ ، ۳۹ .
طونوس پاپ - ۴۳ .	فرنکستان - ۳۱ ، ۳۷ ، ۳۹ ح ،
طیبروس - ۱۲ .	فروبوس قیصر - ۲۲ .
طیطوس - ۱۵ .	فطلیانوس پاپ - ۳۳ .
طیطوس قیصر - ۱۵ ، ۱۶ .	فکتور پاپ - ۱۹ .

(۱) در این صفحه بغلط طاوطاوس چاپ شده است اصلاح شود .

قسططنینوس قیصر - ۲۴ .	فکتور پاپ - ۴۶ .
قسططنینیه - ۲۴ ، ۵۰ .	فکطور « - ۴۷ .
قطلونیه - ۴ .	فکلیدوس « - ۳۰ .
قلودیوس - ۱۴ ، ۱۴ ، ۱۵ .	قلپوس قیصر - ۳۵ .
قلودیوس - ۲۲ .	قلپوس قیصر - ۲۱ .
قلیمنس (کلمنس) (قلمنس) پاپ - ۴۶ .	فلاریانس قیصر - ۲۳ .
قلیمنس (کلمنس) « - ۴۹ .	فلکس پاپ - ۲۲ .
قلیمنس (کلمنس) « - ۵۲ .	فلکس « - ۲۸ .
قوموطوس قیصر - ۱۸ .	فلکس « - ۲۹ .
کتانیه - ۴۹ .	فلندریه - ۳۹ .
کتلونیا (کتلونیه) - ۷ .	فلنسیه - ۷ .
کرسطو فروس پاپ - ۴۰ .	فلنطینوس قیصر - ۲۷ .
کرسطوس - ۴۷ رجوع به کریسوس شود .	فلنطینس پاپ - ۳۷ .
کرلوس (ری) - ۵۲ .	فندر - ۱۰ .
کرلوس قیصر - ۳۷ ، ۴۸ .	فنسیه - ۸ .
کرلوس قیصر - ۳۹ .	فوقاقیصر - ۳۱ .
کرلوس قیصر - ۳۹ .	قباد کسری - ۳۰ .
کروس قیصر - ۲۳ .	قیچاق - ۵۱ .
کریاکوس پاپ - ۲۰ .	قدس (بیت المقدس) - ۱۲ ، ۱۴ ، ۱۷ ، ۲۷ ، ۳۲ ، ۳۷ ، ۵۳ .
کریتیه (جزیره) - ۲۷ .	قرطیه - ۳ .
کریسطوس (مسیح) - ۱۳ ، ۳۱ ، ۳۷ .	قرم - ۹ .
رجوع به کرسطوس شود .	قسططنینوس پاپ - ۳۵ .
کرینوس قیصر - ۲۳ .	قسططنینوس پاپ - ۳۶ .
کلبیه - ۱۰ .	قسططنینوس قیصر - ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ح .
کلسطوس پاپ - ۱۹ .	قسططنینوس قیصر - ۳۳ .
کلمنس (قلیمنس) پاپ - ۱۶ ، ۱۶ ح .	قسططنینوس قیصر - ۳۵ .
کلونیه - ۳۹ رجوع به کلونیه شود .	قسططنینوس قیصر - ۳۶ .

لبیوس - ۲۵ .	کلیتوس پاپ - ۱۵ ، ۱۶ .
لبیوس - ۲۶ .	کلیکستوس پاپ - ۴۷ .
لسیوس (لوسیوس) پاپ - ۲۱ در جوع	کنیانیه (کیمانیه) - ۹ ، ۱۸ ، ۲۹ ،
به لوسیوس شود .	۳۰ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۴۳ ، ۴۷ ،
لثیر دیه - ۳ ، ۹ ، ۲۹ ، ۳۶ ، ۳۷ ،	۵۴ ، ۵۲ .
۳۸ ، ۴۲ ، ۵۲ .	کنراطوس پاپ - ۴۵ ، ۴۶ .
لئوس پاپ - ۱۵ .	کنراطوس قیصر - ۴۸ .
لطاویکوس (لودویکوس) - ۵۲ .	کورنلیوس پاپ - ۲۱ .
لوچیره (لوچره) - ۴ ، ۱۰ ، ۵۴ .	کلونیه - ۲۰ در جوع به کلونیه شود .
لودویکوس (ری دفنس) - ۵۱ .	کلف (اصحاب) - ۲۷ .
لوسیوس پاپ - ۴۸ .	گردیانوس - قیصر - ۲۱ .
لوسیوس « - ۴۹ .	گریگوریوس پاپ - ۳۱ .
لوطریس (لوتریوس) قیصر - ۳۸ ، ۳۷ .	گریگوریوس « - ۳۵ .
لوطریس قیصر - ۴۲ .	گریگوریوس « - ۳۸ .
لوطریوس قیصر - ۴۷ .	گریگوریوس « - ۴۴ .
لوطویقوس قیصر - ۳۷ .	گریگوریوس « - ۴۵ .
لوطویقوس - ۳۸ ، ۳۸ ح .	گریگوریوس « - ۴۷ .
لوطویقوس - ۴۰ .	گریگوریوس « - ۴۹ .
لیو پاپ - ۲۷ .	گریگوریوس « - ۵۲ .
لیو پاپ - ۳۴ .	گلاسیوس پاپ - ۲۸ .
لیو « - ۳۷ .	گلاسیوس (قلاسیوس) پاپ - ۴۷ ،
لیو « - ۳۸ .	۴۷ ح .
لیو « - ۴۰ .	گلبه قیصر - ۱۵ .
لیو « - ۴۱ .	گلرویس قیصر - ۲۳ .
لیو « - ۴۱ .	کلینانوس قیصر - ۲۱ .
لیو « - ۴۳ .	گوتلنده - ۶ .
لیو « - ۴۶ .	لاونطیوس پاپ - ۲۷ .

مغرب - ۴، ۷، ۱۰، ۱۹، ۲۴،	لیو قیصر - ۳۴.
۲۸، ۳۵، ۴۱.	لیو « - ۳۵.
مغول - ۹، ۵۱.	لیو « - ۳۵، ۳۶، ۳۶ ح ۳۷.
مکرینس قیصر - ۱۹.	ماجرستان (ماجر) (مجرستان) - ۹.
مکسمیانوس - ۲۳.	۴۰، ۴۱، ۴۵، ۵۱.
مکه دتر فیش - ۸.	ماکدنیا - ۹.
ملکیادس پاپ - ۲۴ (۱).	متی - ۲۸، ۲۸ ح.
منفرد (امیر) - ۵۱.	مجوس - ۱۲.
منور که - ۳.	محمد رسول الله - ۳۲.
موریقیوس قیصر - ۳۱.	محیط غربی (بحر) (= اقیانوس) - ۱.
موسی - ۲۷.	مرتینوس (مرطینوس) پاپ - ۳۹.
میلان - ۴۶، ۴۹، ۵۱.	مردسلوس پاپ - ۲۳.
میلان دیه - ۹.	مرد سلینوس - ۲۳.
میور که - ۴، ۷.	مرسیه - ۳، ۷.
نارنیه - ۴۳.	مرطینوس (مرتینوس) پاپ - ۳۳.
نارون قیصر - ۱۴، ۱۵.	مرطینوس پاپ - ۴۲.
نارود قیصر - ۱۶.	مرطینوس « - ۵۳.
نربونا (لزبونا) - ۷.	مرقوس « - ۲۴.
نسلور - ۲۷.	مرقوس قیصر - ۱۸، ۱۸ ح.
نکیه (شهر) - ۲۴.	مرقیانوس قیصر - ۲۷.
نمرود (ستورنس) - ۱.	مرکدنکونا - ۹.
نمریانوس قیصر - ۲۳ (۲).	مریم - ۱۲، ۵۲.
نوریکیه - ۶، ۱۰، ۳۹.	مسیح - ۲، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۰.
نوقای - ۹.	۳۲، ۳۷، ۵۲.
نیکولاس پاپ - ۳۸.	مسمیانس قیصر - ۲۰.
نیکولاس پاپ - ۴۶.	مصر - ۸، ۱۲، ۱۳، ۳۲ ح ۳۸، ۵۱.
(۱) در این صفحه بغلط ملکیادس چاپ شده است اصلاح شود	
(۲) در این صفحه بغلط نمایانوس چاپ شده است.	

یوحنس پاپ - ۴۰ .	نیکولاس پاپ - ۵۳ .
یوحنس » - ۴۱ .	نیکولاس پاپ - ۵۳ .
یوحنس » - ۴۲ .	والنس قیصر - ۲۵ ، ۲۶ .
یوحنس » - ۴۳ .	والنطیانس قیصر - ۲۵ .
یوحنس » - ۴۴ .	ولریانوس قیصر - ۲۱ .
یوحنس » - ۴۴ .	هرقلیوس قیصر - ۳۱ ، ۳۲ .
یوحنس » - ۴۴ (۲) .	هرقلیه - ۱۸ .
یوحنس » - ۴۴ .	هرومه (هرومیه) (= رومیه) - ۱ .
یوحنس » - ۴۵ (۲) .	۳۳ (۱) .
یوحنس » - ۴۶ .	هندستان - ۲۶ .
یوحنس » - ۵۳ .	هنریکوس (انریکوس) قیصر - ۴۱ ، ۴۵
یوسطنوس (یوستانیوس) قیصر ۲۸ .	و رجوع به انریکوس شود.
یوسطنوس قیصر - ۲۹ .	هولندیه - ۵۱ .
یوسطنوس قیصر - ۳۰ .	یشرب - ۳۲ .
یوسطنوس قیصر - ۳۴ ، ۳۵ .	یزدجرد - ۳۲ .
یوسطیانوس قیصر - ۲۹ .	یوحنا پسر زکریا - ۱۲ ، ۱۴ .
یوسف - ۱۲ .	یوحنس پاپ - ۲۹ .
یولیانوس قیصر - ۲۵ .	یوحنس » - ۲۹ .
یونان - ۱ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۳ .	یوحنس » - ۳۰ .
یویانوس قیصر - ۲۵ .	یوحنس » - ۳۳ .
یهودابن یعقوب - ۴۰ .	یوحنس » - ۳۴ .
	یوحنس » - ۳۹ .

(۱) در این صفحه بغلط رومیه چاپ شده است اصلاح شود .

(۲) این نام و شرح آن در این صفحه از چاپ افتاده است از روی غلطنامه اصلاح فرمایند .

خواهشمندست غلطهای زیرین را اصلاح فرمایید

صفحه	سطر	نادرست	درست
۱ پیشگفتار	۱۸	ماریتنوس اوپاونیس	مارتینوس اوپارینسیس
۴	۲۰	نواع	و انواع
۵	۱	نچنانست	آن چنانست
۵	۵	چه آواز	چه از
۹	۱۰	یکر	دیگر
۱۳	۱۰	بیایان سطر افزوده شود؛	از ذواب که جدید هم او بود و السلام.
۱۴	۱۷	پایان	پایان
۱۷	۱۷	اتینه	اتینه
۱۸	۱۱	ارلیوس	اورلیوس
۱۹	۱۷	بباید	بیدامد
۲۳	۱	نمیانوس	نهریانوس
۲۳	۶	دیوقلیطانس	دیوقلیطانیس
۲۳	۱۱	کنندر	کنندو
۲۴	۵	ملکیاوس	ملکییادس
۲۴	۵	اواسپیوس	اواسپیوس
۲۴	۱۱	تکیه	نکبه
۳۰	۱۶	بیلایکیوس	پیلایکیوس
۳۲	۱۶	طاوطاوس	طاوطاطوس
۳۳	۱۴	رومیه	هرومیه
۳۹	۱۶	اطریانوس	اطریانوس
۴۴	بین سطر ۴ و ۳	افزوده شود؛	تاریخ یوحنا سوم پاپ - از رومیه بود ده سال و هشت ماه و چهار روز پایی کرد.
۴۴	۱۲ و ۱۳	اورشلیم	اورشلیم
۴۵	پس از سطر اول	افزوده شود؛	تاریخ یوحنا سوم پاپ - او نیز از رومیه بود و پنج سال و چهار روز پایی کرد.
۴۶	بین سطر ۱۵ و ۱۶	افزوده شود؛	تاریخ یوحنا سوم پاپ - از رومیه بود و نه سال و دوازده روز پایی کرد.
۵۱	۲	کلمنس	کلمس.

نشریات کتابفروشی فروغی

۱۵۰ ریال	زندگانی پیامبر ص - از بهت تا هجرت تألیف علی اکبر خدیور محسنی
۲۰۰ «	دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی از استاد سعید نفیسی
	تاریخ غزنویان و سامانیان و آل بویه از جامع‌النواریخ دبیر: سیاقی
۱۵۰ «	غزلیات شورا نگین شمس تبریزی
۱۲۵ «	فرهنگ اصطلاحات آمریکائی و انگلیسی جمشیدی‌پور
۷۰ «	خودآموز انگلیسی بدون زحمت « «
۵۰ «	دوره کامل فرهنگ لغات دایرکت متحد « «
۳۰ «	راهنمای دایرکت متحد جلد اول « «
۴۰ «	« « دوم « «
۴۰ «	« « سوم « «
۴۰ «	« « چهارم « «
۵۰ «	« « پنجم « «
۴۰ «	تپه سبز پوش
۴۰ «	سرتنگ هلور از عملیات آرسن لوپن
۴۰ «	نوده طلا « «
۴۰ «	قصر مریوز « «
۴۰ «	سنگ معجزه « «
۵۰ «	دندان ببر « «
۵۰ «	چگونه از خود دفاع کنیم
۲۰ «	مناجات نامه طوطی
۶۰ «	سه یار دبستانی با نضمام رباعیات خیام
۴۰ «	عشق کامیاب

زیر چاپ

تاریخ کامل نظم و نثر ادبیات ایران از استاد سعید نفیسی
 تاریخ اجتماعی ایران در قرن اول اسلام از استاد سعید نفیسی
 دیوان عمیق بخارائی شاعر قرق هشتم بکوش استاد سعید نفیسی
 از پرویز تا چنگیز و تاریخ عرب قبل از اسلام تألیف دانشمند محقق
 جناب آقای سید حسن تقی زاده
 خودآموز و مکالمات فارسی در بیان انگلیسی برای خارجیان و سیاحان
 اصول نامه نگاری و انشاء برای همه تألیف شکیب‌پور
 خودآموز مصور عربی فارسی تألیف آقای احمد سیهر خراسانی



بها ۵۰ ریال

